

۷۰۰۰ شهید تربیت شده حاج حسن تهرانی مقدم در دفاع مقدس هستند. کسانی که با حاج حسن برخورد داشتند یا برای کاری پیش او می رفتند ایشان با روی باز از ایشان استقبال می کردند. ایشان روحیه ای داشتند بسیار خونگرم، و همه ترجیح می دادند با حاج حسن کار کنند... علی عساکره از فرماندهان دوران دفاع مقدس (۵۴)

اگر سپاه را یکی از دستاوردهای مهم و متمایز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بدانیم، در مجموعه سپاه چندین مؤلفه و پدیده بعنوان خروجی می درخشند.

۱- تربیت و ساماندهی پدید های به نام، بسیجی و بسیج.

۲- تربیت و توانمند سازی فرماندهانی از قبیل، حسن باقری، همت، کاوه، شوشتری، احمدکازمی و....

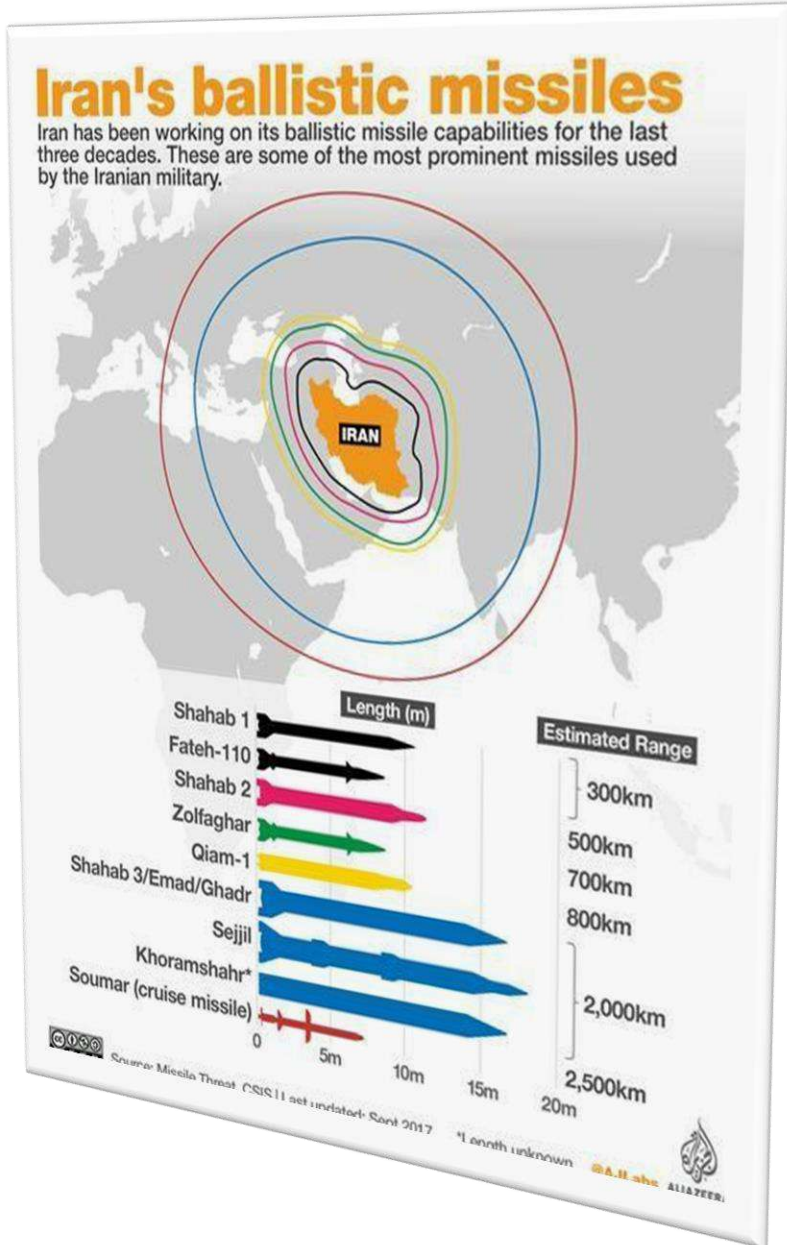
۳- قدرت خلق و نوآوری محصولات و خدمات مرتبط با فن آوری نوین دفاعی.

۴- قدرت طرح ریزی و اجرای عملیات های نوآورانه و مبتکرانه که،

آمیخته های واقعی از ایده های جسورانه تا اجرای سریع، فراگیر و غافلگیرانه بود.

۵ - خلق و ایجاد محیطی پویا که همه استعدادها و شایستگی های برادرانه، در مسابقه های بی پایان به سمت نور واحد حرکت می کردند. حسن یکی دیگر از نادر فرماندهانی بود که در این سیستم پرورش یافت و امروزه در چالش های مدیریت سازمان، تحول سازمانی، کارآفرینی سازمانی و مدیریت منابع انسانی. سؤال اساسی که برای تربیت مدیران، رهبران و حتی کارآفرینان این است که، چگونه می توان افراد شایسته و توانمند تربیت نمود. شایستگی ها و توانمندیهای فردی سازمانی و تخصصی دغدغه های اصلی چنین سازمان های پویایی است. اتکال به خدا و نفس گرم حضرت امام(ره) و سپاه به برکت اخلاص، سخت کوشی، حمایت وسیع و عمیق مردم توانست چنین پدیده هایی به نام حسن تهرانی مقدم را تربیت نماید... محمود احمدپور داریانی(۵۴)

روزنامه ایتالیایی اسپوتنیک:
 "ایران چهارمین قدرت موشکی جهان است"



حضرت امام(ره) با مقابله به مثل حملات موشکی عراق موافقت کردند. جمهوری اسلامی ایران در آن زمان فاقد سامانه موشکی بود و مقابله به مثل، تنها در سطح توپخانه‌ای صورت می‌گرفت. وقتی که بنا شد اولین موشک را خود برادران سپاه به سمت بغداد شلیک کنند، با هم به کرمانشاه رفتیم. مقدمات کار فراهم شد... ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۳ اولین موشک ایران به کرکوک شلیک شد. دومین موشک هم به بانک ۱۸ طبقه رافدین بغداد اصابت کرد و موشک بعدی باشگاه افسران بغداد را هدف گرفتیم. شهید مقدم پیشنهاد کرد اول دعای توسل بخوانیم و بعد از دعا به زبان فارسی با خدا صحبت کرد و گفت: خدایا ما نمی‌خواهیم مردم عراق را بکشیم. ما می‌خواهیم نظامیان را از بین ببریم که هم ما و هم عراقی‌ها را می‌کشند. خدایا این موشک را به باشگاه افسران بزن. موشک شلیک شد و همه پای رادیو نشستیم. پس از چند دقیقه رادیو بی‌بی‌سی اعلام کرد، که یک موشک، باشگاه افسران بغداد را منهدم کرده و تعداد زیادی از افراد حاضر در آن کشته شده‌اند. من پیشانی شهید مقدم را بوسیدم و گفتم این به هدف خوردن موشک نتیجه اخلاص و پاکی تو بود... روای: سردار زهدی

جنگ شهرها که آغاز شد، صدام به شدت شهرهای ما را با موشک و بمباران هوایی مورد حمله قرار می‌داد و فشار خیلی زیادی روی ما می‌آمد. من یک روز برادر محسن رفیق دوست را که مسئول لجستیک سپاه بود خواستم و گفتم ما چاره‌ای نداریم جز اینکه جواب موشک‌ها را با موشک بدهیم، لذا ایشان را فرستادیم سوریه و لیبی و در آخر جنگ هم کره شمالی. بعد دیدم باید ساماندهی موشک‌ها را خودمان انجام دهیم. بعد از مشورت با برادران رشید، صفوی و شمخانی به این نتیجه رسیدم که فرد مناسب برای این کار حسن تهرانی است. ایشان را فراخواندیم و گفتیم توپخانه را بسپار به شفیع‌زاده و خودت با تیمی از دوستانت یگان موشکی را تشکیل دهید. ایشان کمی به من نگاه کرد و چیزی نگفت. بعدها برادر جعفری مسئول زرهی سپاه به من گفت در سوریه که بودیم حسن به من گفت: برادر محسن از من خواسته تیپ موشکی تشکیل بدهم. توپخانه را می‌شد کاری کرد، ولی موشک‌ها خیلی پیچیده‌اند. به هر حال باید با توکل این کار را انجام دهیم... از ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ تا ۱۰ دی ۱۳۶۵ بعد از عملیات والفجر هشت و قبل از کربلای چهار، لیبیایی‌ها در همکاری موشکی کارشکنی کردند و ما توان جواب دادن

نداشتیم. ما در ۲۰ مرداد ۱۳۶۵، پالایشگاه نفتی دوره عراق را زدیم. در این مقطع پنج موشک زدیم ولی به دلیل کارشکنی لیبیایی‌ها ۳۵ روز توان پاسخ نداشتیم. لیبیایی‌ها ۳۸ ایراد روی سکوی قطعات گذاشته بودند. بعضی از قطعات همزمان با مذاکراتی از کره شمالی وارد شد...

"قذافی فکر کرده بود با دادن تعدادی موشک می‌تواند دل ما را به دست بیاورد و امام بعد از گذشت چند سال از انقلاب به او اجازه ملاقات می‌دهد که به ایران بیاید، بنابراین چندین موشک به همراه لانچر پرتاب و تعدادی کارشناس را به ایران فرستاد. همین که ما مشغول کار با آنها شدیم، شنیدیم که پادگانی که برایشان در نظر گرفته‌ایم را ترک کرده‌اند و به همراه قطعاتی از موشک‌ها به سفارت لیبی رفت‌ه‌اند، بطوری که نمی‌توان از موشک‌ها استفاده کرد. حسن و تیمش ظرف دو ماه این موشک‌ها را عملیاتی کردند و به محض اینکه عراق موشک زد، ما هتل الرشید را که محل تجمع دیپلمات‌ها بود زدیم... به روایت محسن رضایی، فرمانده سپاه در دوران دفاع

حاج حسن حتی به لبنان هم رفت و یگان موشکی حزب‌الله را در آنجا ایجاد کرد. تقریباً در سال ۶۶-۶۵ بود. بچه‌های حزب‌الله لبنان بسیار دوستدار حاج حسن‌آقا بودند. با کارهایی که ایشان انجام داد، حزب‌الله موفق به تجهیز سلاح‌هایی شد که هرگاه صهیونیست‌ها شرارتی می‌کردند، با پاسخ دندان‌شکن مواجه می‌شدند. الان هم قاطعانه بگویم، رژیم صهیونیستی اگر هرگونه عملیات یا تهدیدی را علیه جمهوری اسلامی داشته باشد، از ناحیه موشک‌های حزب‌الله لبنان مشت محکمی را دریافت خواهد کرد که قلب تل‌آویو را زیر و رو می‌کند. باید بگویم بهترین هدیه حاج حسن‌آقا به مردم و حزب‌الله لبنان، آموزش و انتقال تجربیات موشکی به این کشور بود، به طوری که در جنگ ۳۳ روزه و جنگ ۲۲ روزه غزه، پیروزی حزب‌الله و بچه‌های حماس علیه صهیونیست‌ها مدیون همین آینده‌نگری ایشان بود که رزمندگان حزب‌الله را آموزش دادند. از همین طریق بود که حزب‌الله توانست سیستم موشکی‌اش را ایجاد کند و نه تنها مانع پیشرفت رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان شد بلکه تمام نقشه‌های صهیونیست‌ها را نقش بر آب کرد... روایتی از: حاج محمد
تهرانی مقدم برادر شهید

همزمان با انجام عملیات‌های مقابله به مثل و با پیگیری های سردار مقدم داشتند، در اواخر جنگ به یک سامانه موشکی و راکت ساخت داخل دست پیدا کردیم به نام راکت نازعات، که بردش بین ۸۰ تا ۱۲۰ کیلومتر است و با تلاش‌هایی که انجام داده بودند به ۱۵۰ کیلومتر رسیده بود. از دلایل طراحی و ساخت این سامانه، کمک در کنار موشک اسکاد بود که بتواند با یک نواخت تیر بالا قدرت مقابله با جنگ شهرها را داشته باشد. اسکاد، موشک گران قیمتی است و به لحاظ آماده‌سازی و کم و کیف پرتاب برای اهداف خاص استفاده می‌شود. ما بعضا اهدافی داشتیم با ابعاد گسترده که حتما نیاز به دقت یا قدرت انفجار زیاد داشت، منتها تنها سامانه‌ای که داشتیم همین اسکاد بود و لذا از همان مقطع، همزمان با فعالیت تحقیقاتی جهت ساخت موشک‌های اسکاد، ساخت سامانه‌های ارزان قیمت و دارای قدرت مانور بالاتر نیز آغاز شد، تا بتوانیم بعضی از اهدافی را که ارزش چندانی ندارد با آن سامانه مورد اصابت قرار بدهیم. همانجا تلاش و پیگیری برای ساخت و تولید موشک نازعات در اولین قدم طرح‌ریزی شد و در دستور کار قرار گرفت که ما در پایان جنگ، یعنی اواخر سال ۱۳۶۶ موفق شدیم به این سامانه دست پیدا بکنیم...

در بحبوحه عملیات مرصاد دیدیم سردار مقدم به عنوان یک خدمه پای یک خمپاره ۱۲۰ در حال شلیک به سمت دشمن و منافقین است. سردار مقدم یعنی کسی که به عنوان فرمانده موشکی در حال انجام وظیفه بود وقتی ضرورت را احساس می‌کند، می‌آید به عنوان یک خدمه ۱۲۰ به مقابله با دشمن... به روایت: سردار نامی

درست است که وزارت دفاع به عنوان واحد پشتیبانی کننده نیروهای مسلح در بحث ساخت موشک شهاب سه وارد می‌شود، اما عمده کارهای تحقیقاتی‌اش را شهید مقدم انجام داده بود. این شهید عزیز عقیده داشت نباید چیزی را دیگران بسازند و بعد آن را به ما بدهند. به عبارت دیگر می‌گفت اگر نیروهای مسلح ما درک کردند بنابر نوع تهدید به چه ابزاری برای مقابله نیاز دارند، باید برای تولید آن گام بردارند. زیرا متخصصان داخلی کشورمان از توانمندی و قدرت عمل بسیار بالایی برخوردار هستند. سردار عباس خانی آرانی جانشین فرمانده توپخانه و موشکی نیروی زمینی سپاه

الله

تقریباً "قریب به اتفاق کسانی که با ایشان برخورد داشتند می گویند، ما یادمان نمی آید که مقدم حرفی را زده باشد و انجام نداده باشد. این شاخصی است برای کسانی که می خواهند از وی الگو برداری کنند. با چنین افق و دیدی و چنین پشتکاری با چنین خصوصیات اخلاقی شاهد این هستیم که چه تحویلی و چه تاثیری در تقویت بنیه دفاعی کشور از خودش به جای می گذارد و امنیت که نیاز جوامع بشری و مردم ایران است به عنوان یک هدیه از طرف مقدم و امثال مقدم در حوزه امنیت دفاعی به میراث باقی می ماند...

ما با وجود تحریم ها و نابسامانی های بسیاری در که در حوزه موشکی داشتیم، به خواست خدا و با تلاش شهید مقدم و همکارانش به موفقیت هایی دست پیدا کردیم که تمام دشمنان انگشت به دهان گرفتند. (علاوه بر بومی سازی ساخت موشک در انواع مختلف "به دانش و ساخت سیلوهای پرتاب موشک نیز دست یافتیم") اینها نمونه های خوبی برای جوانان ما و فرزندان انقلاب که قرار است افق های بسیار بلندی را قبل از ظهور امام زمان (عج) فراهم کنند... شهید مقدم نمونه ای است از این مجموعه بود...

کتاب ذوالفقار ولایت-ناصر کاوه
راوی: سردار سرتیپ امیر علی حاجی زاده،
فرمانده هوا فضای سپاه

مقدم
طهرانی
شهید

زندگی پیش از شهید
ناصر کاوه

بایست که در آن

"فصل ششم : دست آوردهای شهید مقدم"

ما با عراقی در حال جنگ بودیم که قبلاً به راکت های فراگ ۷ و موشک اسکاد و... مجهز شده بود. مفهوم کاربردیش این بود که عراق برای فشار آوردن به عقبه های ما (جنگ ما رنگ و بوی مردمی داشت و مردم از شهرهای ما می آمدند وارد جبهه می شدند، این شهرها را تحت فشار و خانواده ها را تحت فشار قرار بده که از سیل و گسیل نیروی انسانی از شهرها به جبهه و تقویت یگان های رزم سپاه به عنوان نیروهای بسیجی جلوگیری کند)، بهترین حربه اش این بود که با شروع عملیات جنگ شهرها و آوردن فشار روی شهری مانع از گسیل نیروهای مردم ما به خطوط مقدم بشود. طبیعی بود که بخشی را از هواپیماهای تهاجمی اش استفاده می کرد، و بخشی هم از راکت های فراگ ۷ و موشک های اسکاد و... استفاده می کرد. اولین موشک از موضع حضرت زینب(س)، شمال اسلام آباد در شب شلیک شد و وحشت پرتاب اولین موشک را در شب ما دیدیم. دیدیم که اساساً با آتش توپخانه اصلاً هیچ قابل مقایسه نیست؛ چیز دیگری است. این شلیک را عراق جدی نگرفت و اعلام کرد

تیم های خرابکار ایران با بمب گذاری در پالایشگاه کرکوک بحران آفرینی کردند و القاء کرد که يك عملیات خرابکارانه را نیروهای هوادار ایران در کردستان عراق انجام داده اند، که این تبلیغات منجر شد به دومین پرتاب موشک و اولین موشک پرتاب شده به قلب بغداد یعنی بانک رافدین، که با این موشک مورد اصابت قرار گرفت، و عملیات های موشکی در شش مرحله ادامه پیدا کرد و اجرای این عملیات ها جلوي جنگ شهرها را گرفت. واقعاً من به شما می گویم که اگر آن تدبیر حکیمانه ي امام(ره)، و آن تصمیم استراتژی این بزرگوار نبود، معلوم نبود آن گلوله های شیمیایی که به خط اول جبهه ي ما مي زدند، توي شهرهاي ما چه قدر قرباني از مردم ما مي گرفت و چه فاجعه اي بوجود می آمد. هیچ کس نیامد اینها را براي مردم بگوید. عراق برنامه ي تهاجم گسترده ي شیمیایی داشت که اولین حمله شیمیایی اش را من دیده بودم . همان گلوله ي شیمیایی مبنائی شده بود تا (با يك توپي که ساخته بودند، توپ ۱۸۰ کیلومتر دوربرد و با بمب هایی که روي هواپیماهاشون مي بستند)، و عليه شهرهاي ما استفاده کنند، و دیگه حالا می خواستند صدها و هزارها کشته و شهید از ما بگیرند، و این

تبدیل شود به هزاران شهید شیمیایی، همان کاری که عراق در حلبچه کرده بود و برنامه اش این بود. حالا شما فرض بگیرید اگه موشک های ما نبود و مقابله به مثل صورت نمی گرفت چه اتفاقی می افتاد... مصاحبه منتشر نشده از شهید تهرانی مقدم (۵۵)



ادای احترام فضانورد روس به پدر موشکی ایران
مزار سردار شهید حسن تهرانی مقدم

در دل نامردمی‌ها مرد بودن دیدنی‌ست
با زمین و آسمان هم‌درد بودن دیدنی‌ست
سینه‌ای سد می‌شود تا سیل‌بند غم شود
می‌رود چشم امید عالم و آدم شود
می‌رود تا پرچم ایمان نیفتد بر زمین
برگ‌برگ زخمی قرآن نیفتد بر زمین
در تبار ما به جنگ باد رفتن تازه نیست
درس تاریخ است؛ تاریخی که بی‌شیرازه نیست
ایستادن را برایم کوه، هجّی کرده‌است
تیغ بودن را یلی نسته، هجّی کرده‌است
!با توأم ای شانه با مارها آراسته
از دل هر قطره خون کاوه‌ای برخاسته
!فکر کردی مرگ رستم ضربه پایانی است؟
در رگ مردان اینجا شاهنامه‌خوانی است
شاهنامه‌خوانی است و گرمی شور و جنون
می‌خروشد.... در رگ غیرت نخشکیده‌ست خون

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
شاعر: حسنا محمدزاده

پند
طهوری
حسن
سکندر

زندگی پیش شهید

ناصر کاوه

وقتي که به شما حمله ای صورت می گیرد شما مجبورید دفاع کنید،
وقتي که دفاع کردید آنجا یاد می گیرید که دفاع را از داخل کشور
خود آغاز نکنید و دفاع را بیرون از مرزهاي خود شروع کنید، برای
این امر شما باید توانمندی داشته باشید، یعنی قویتر باشید این
باعث این شد که اگر ایشان(حسن مقدم)، آمد وارد این وادی شد،
فقط مقطع جنگ نبود. در واقع این استحکام نظام است و کسی که
وارد استحکام نظام می شود یعنی حق ندارد پایانی (برای کارهایش)،
داشته باشد و دائم باید روی او کار کرد. درواقع اگر بخواهیم
کشورهاي پیشرفته را نگاه کنیم، که چگونه آمدند و در واقع از ما
جلوتر افتادند، می توانیم به دو نکته اشاره کنیم. می خواستند
برترین باشند و آدم هایی داشتند که این برترین بودن را می آمدند
به نام می کردند و اجراء می کردند. شهید حسن تهرانی مقدم در هر
دو مقطع بودند. وقتی که خواست برترین باشد يك مقطع می آمد
پایین تر و می آمد کمک می کرد به کسانی که می خواهند برترین
باشند، و مرحله به مرحله کار و برنامه ریزی می کرد و سپس اجرا
می کرد. کسانی که وارد این فضا می شوند سعی می کند. وسیله
ای داشته باشد که با دشمنان مقابله کند. آرمانش در ذهن های ما

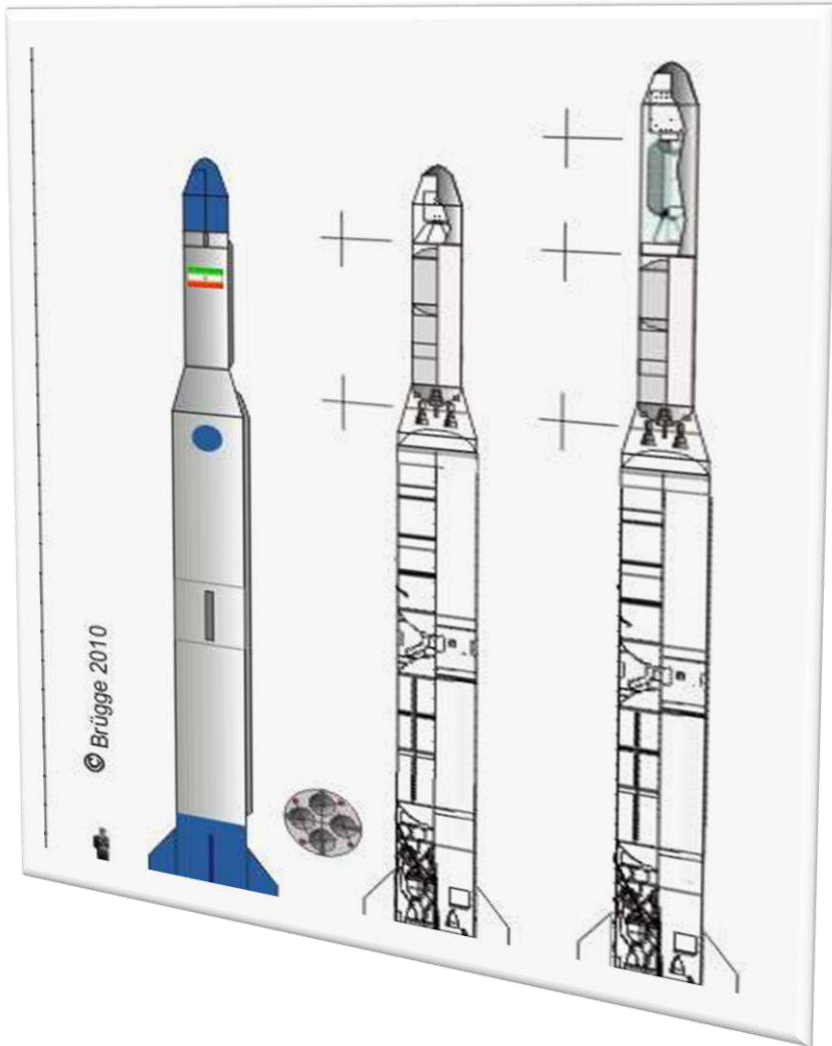
نبود آرمان هایش از بضاعت مملکت و سیاست مملکت جلوتر بود. معمولا يك گروهی که می خواهند بیایند کاری بکنند باید قراردادی با آنها بسته شود، اما ایشان به خاطر اعتمادی که همه رده ها به او داشتند تامین منابع را هم خودش انجام می داد. ایشان در همه زمینه ها مساعدت می کردند بنابراین می شود گفت که ضمن اینکه کارش را به نحو احسن انجام می داد مقدم های دیگری را هم فراهم می کرد... دکتر منوچهر منطقی (۵۶)

زمانی که پروژه های موشکی این شهید به پیروزی می رسید، ذره ای غرور در او مشاهده نمی شد، همیشه سجده شکر به جای می آورد. نقش این شهید والامقام در اقتدار حقیقی و هویت بخشی به اقتدار موشکی کشورمان، نقشی ماندگار، ارزشمند و در خور تجلیل است. پیامی که دشمنان ما از این حادثه گرفتند این بود که در جمهوری اسلامی ایران هیچ چیز متوقف نمی شود، در اینجا قدرت در حال فوران است اما صلاح نمی دانیم همه چیز را بگوئیم. شهید مقدم محور اصلی بنیانگذاری قدرت موشکی سپاه پاسداران بود او با

ذهنی خلاق، مبتکر و نوآور قدم های بزرگی را تعقیب می کرد. همه چیز برای حسن طهرانی مقدم دست یافتنی بود، وی همواره هدف هایی را دنبال می کرد که از نظر ما غیر ممکن بود اما این شهید بزرگوار این اهداف و طرح ها را با اعتماد به نفس دنبال می کرد... تالار آفتاب مجلس، سردار حسین سلامی

تقریباً" قریب به اتفاق کسانی که با ایشان برخورد داشتند می گویند، ما یادمان نمی آید که مقدم حرفی را زده باشد و انجام نداده باشد. این شاخصی است برای کسانی که می خواهند از وی الگو برداری کنند. با چنین افق و دیدی و چنین پشتکاری با چنین خصوصیات اخلاقی شاهد این هستیم که چه تحویلی و چه تاثیری در تقویت بنیه دفاعی کشور از خودش به جای می گذارد و امنیت که نیاز جوامع بشری و مردم ایران است به عنوان يك هدیه از طرف مقدم و امثال مقدم در حوزه امنیت دفاعی به میراث باقی می ماند. با وجود تحریم ها و نابسامانی های بسیاری در که در حوزه موشکی داشتیم، به خواست خدا و با تلاش های او به موفقیت هایی دست

پیدا کردیم. اینها نمونه های خوبی برای جوانان ما و فرزندان انقلاب
 که قرار است افق های بسیار بلندی را قبل از ظهور امام زمان (عج)
 فراهم کنند. شهید مقدم نمونه ای است از این مجموعه بود...
 سردار رمضان شریف، رئیس اداره روابط عمومی سپاه (۵۶)



ایشان ۱۶ سال پیش حرف از پرتاب ماهواره می زد. آن زمان کمتر کسی از این موضوع صحبت می کرد. ما ۱۶ سال بعد این کار را کردیم. به عنوان یک ایرانی دست آنها را می بوسم، اگر انصاف داشته باشیم به این نتیجه می رسیم که یک اراده قوی و ایده ای جدید این صنعت را رشد داد و این اراده و ایده در ذهن نخبه های چون حاج حسن مقدم شکل گرفت... عباس پورمحمدی معاون (۵۷)



پرواز ملائک

عاقبت قسمت ما شد مشق پرواز ملائک
رقص خون رنگ شقایق همره ساز ملائک
خسته از خاک زمین را آسمان شد آشیانه
همرهم در این سفر شد خنده و ناز ملائک
همچو عودی پر و بالم شده بر شعله عشقت
بوسه باران تنم، بین گشته آغاز ملائک
عاقبت قفس شکستم با دو صد شور و ترانه
شکر حق شدم رفیق و یار و همراز ملائک
آسمان شده چراغان، عاشقان به انتظارند
هلهله شده عجین با دف و آواز ملائک
من و خاکستر عشقت هر دو قربان "ولایت"
در غدیر پایبندی جمله دم‌ساز ملائک
دیده ام بر در جنان معنی فزت و رب را
پرچم سرخ شهادت گشته افراز ملائک
حسرت جاه شهیدان کرده خون بر دل افلاک
مانده خیره بر جلالم چشم غماز ملائک

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
شاعر: محمدحسن صالحی مرام

کتابخانه حضرت زینب (س)

پند
طهوری
حسن
سکندر

زندگی به شهادت

ناصر کاوه

بایست که در آن

سازمان های امنیتی و کارشناسان موشکی برنامه توسعه موشکهای بالستیک با سوخت جامد را به مراتب خطرناک تر از فناوری قدیمی روسیه در ساخت موشک ها با سوخت مایع ارزیابی می کنند. این فناوری نسبتاً قدیمی روسیه در ساخت موشک های شهاب در ایران به کار گرفته شده و می شود. اما موشک ها با سوخت جامد وزن کمتری داشته و آسان تر قابل نقل و انتقال هستند. یکی دیگر از امتیازهای این موشک ها این است که ایران می تواند بخش های اصلی آن را بدون کمک خارجی در کشور تولید کند. کارشناسان غربی بر این باورند که تسلط بر این فناوری به معنای دستیابی ایران به سلاحی استراتژیک است....

دشمنان در دهه ۱۳۸۰ تلاش کردند با کامل کردن محاصره ایران و با ایجاد شرایط مناسب در داخل کشور اقدام نظامی علیه ما انجام دهند که به دلایل مختلف از جمله افزایش توان موشکی ایران، برنامه های آنان به نتیجه نرسید. چنانچه شهید مقدم نبود، ایجاد توان موشکی در کشور در هاله ای از ابهام قرار می گرفت و معلوم نبود که کشور ما صاحب چنین توانایی هایی شود.

موشک‌های «اسرائیل‌زن» ایران

با توجه به اخبار و گزارش‌های رسمی اعلام‌شده از سوی نیروهای مسلح، تا امروز باید سه‌گانه «شهاب»، «قدر» و «سجیل» را موشک‌های اسرائیل‌زن ایران دانست. موشک‌هایی که از فاصله دور به‌سخت می‌توانند در زمین‌های اشغالی فلسطین، اسرائیل و البته اینها به‌جز موشک‌های پیشرفته‌تر است که امروز در اختیار مقاومت اسلامی حماسه قرار دارد.



شهاب‌مهاوین موشک اسرائیل‌زن ایران است

خانواده «شهاب» را باید تعدادترین نسل موشک‌های ایرانی بنامیم که در ۳۰ رنج شهاب ۱ و ۲ تولید شدند

نمونه پیشرفته‌تر شهاب ۳ با نام «قدر» یا «قابلیت بهره‌گیری از کلاهک‌های بارانی، توپد و تحویل رده‌های عملیاتی شده این موشک، البته در ۲ نوع قدر ۲ و قدر H تولید شده است

موشک «سجیل» را برخی برترین موشک بااستیک ایرانی می‌دانند. این موشک اولین موشک دوربرد سوخت جامد ایران است

موشک	سجیل	شهاب ۳	قدر ۲
برد (کیلومتر)	۳۰۰۰	۱۱۵۰	۱۲۵۰
طول (متر)	۱۷/۶	۱۵/۵۴	۱۵/۸۶
وزن مسلح (کیلوگرم)	۲۴۵۳۰	۱۵۳۲۰	۱۷۲۶۰
وزن سرچنگ مسلح (کیلوگرم)	۶۵۰	۶۷۰	۶۵۰
نوع سوخت	جامد	مایع	مایع
قطر (سانتی‌متر)	۱۲۵	۱۲۵	۱۲۵
پیدایش	یک مرحله‌ای	یک مرحله‌ای	دو مرحله‌ای
بهره‌وری	زمین به زمین	زمین به زمین	زمین به زمین



آمریکا به بهانه های مختلف به عراق و افغانستان لشکرکشی کرد که در واقع هدف اصلی آنان مقابله با ایران اسلامی بود.

البته آنها اعتراف کردند که اگر نتوانند با اقدام نظامی حکومت ایران را تغییر دهند امیدوارند با اعمال فشارها، رفتار نظام سیاسی ایران را دچار تغییر کنند. ایمان و باور دینی مردم به نظام اسلامی و اقتدار دفاعی کشور ما از جمله عوامل ایجاد کننده این اقتدار هستند. شهید مقدم، در پایان جنگ نیز پس از ساماندهی یگانهای موشکی به دنبال افزایش دقت و برد موشک ها بود. زمانی که به فرماندهی سپاه منصوب شدم به ایشان پیشنهاد جانشینی نیروی هوا و فضای سپاه و سپس فرماندهی این نیرو را دادم، ایشان نپذیرفت و اعلام کرد که می خواهد به قسمت تحقیقات موشکی برود. توان موشکی ایجاد شده توسط ایشان، علاوه بر آنکه در دل دشمنان وحشت انداخت، از عوامل اصلی بازدارندگی در مقابل تهدیدهای آنان به شمار می رود... سردار سرلشگر، محمد علی جعفری فرمانده اسبق سپاه (۵۹)

تراز بالای فکری شهید مقدم

من مدت ها همکار او بودم، آنقدر اعتماد به نفس داشت که زمان برای تحقق رویاهایش کوچک بود... آنچه در ذهن شهید حسن تهرانی مقدم می گذشت این بود که چگونه می توان ناوهای متحرک دشمن را در دریا با موشک های پیشرفته شکار کرد... (این موشک ها در هنگام ورود به جو زمین چند برابر سرعت صوت، سرعت دارند.)، این ایده فراتر از زمان طبیعی ما بود... اینکه چگونه می توان یک شناور را با یک موشک پیشرفته شکار کرد؛ من مطمئن هستم که این ایده در ذهنیت پیشرفته ترین قدرت ها هم رسوخ نکرده است...

امروز در دکتربین نظامی منطقه، ایران به عنوان قدرت اول منطقه، قدرت بازدارندگی بسیار زیادی را دارد و هیچ یک از کشورهای پیرامونی منطقه از ترکیه تا عراق، پاکستان، افغانستان، شمال و جنوب نمی توانند در حالت محال به ایران حمله کنند...

نقش و عمل سردار حسن تهرانی مقدم در این مساله بسیار مهم است چرا که او توانست با طراحی درست قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد. این مساله باعث شد که امروز برخلاف تصور بسیاری، قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران افزایش چشمگیری داشته باشد...

کتاب ذوالفقار ولایت-ناصر کاوه
راوی: سرلشکر پاسدار حسین سلامی،
فرماندهی کل سپاه

مقدم
طهرانی
حسن
موشک

زندگی پیشگام شهید
ناصر کاوه

ناصر کاوه

اولین شاهکار شهید حسن تهرانی مقدم روزی بود که بغداد را زد، روزی که برادران واحد موشکی سپاه با موشک اسکاد بغداد را زدند، رژیم بعث در یک شوک بزرگ نظامی فرو رفت. آنان هیچ وقت فکر نمی کردند که ایران بتواند با توان موشکی که در اختیار دارد بغداد را بزند. این رویداد بزرگ با حسن عمل حسن مقدم و بچه هایش صورت گرفت. شاید به همین دلیل بود که عراق بعد از آن به طور یک طرفه حمله موشکی را به تهران و شهرهای مختلف انجام داد که در بسیاری از آن در زدن اهداف خود نا موفق بود. اتفاقاً در این جا هم یک شاهکار را از حسن تهرانی مقدم می بینیم. جایی که او برخلاف عراقی ها که بدون درنظر گرفتن اصول انسانی هر جا را که دل شان می خواست می زدند، حسن مقدم و نیروهای تحت امرش در اقدام متقابل فقط مراکز حساس نظامی و یا عملیاتی را مورد هدف قرار می دادند. سردار حسن مقدم در راه اندازی تشیکلات موشکی سپاه بسیار خوب عمل کرد، و در واقع شاید او بود که با دانش و نبوغی که در اختیار داشت توانست مساله افزایش توان موشکی ایران را به عنوان یک دکترین نظامی در تمام دولت ها مورد توجه قرار دهد. اتفاقاً این یک مساله بسیار مهم است چرا که با

توجه به تحریم هایی که جمهوری اسلامی ایران توسط دولت های غربی متوجه اش بود در مساله قدرت بازدارندگی دشمن، حسن مقدم طراحی بسیار خوبی را انجام دادند. امروز در دکترین نظامی منطقه، ایران به عنوان قدرت اول منطقه، قدرت بازدارندگی بسیار زیادی را دارد و هیچ یک از کشورهای پیرامونی منطقه از ترکیه تا عراق، پاکستان، افغانستان، شمال و جنوب نمی توانند در حالت محال به ایران حمله کنند. نقش و عمل سردار حسن تهرانی مقدم در این مساله بسیار مهم است چرا که او توانست با طراحی درست قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد. این مساله باعث شد که امروز برخلاف تصور بسیاری، قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران افزایش چشمگیری داشته باشد. با افزایش قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران، یک نکته ظریف و مهم نیز در آن وجود دارد، چه آنکه با این طراحی، هزینه تسلیحاتی آمریکا و اسرائیل رو به افزایش گذاشته شد. همین طرح سپر موشکی اسرائیل و سامانه پاتریوت آمریکا در منطقه متأثر از قابلیت های موشکی ایران است. این نشان دهنده آن است که آنها پذیرفته اند، جمهوری اسلامی یک قدرت منطقه ای و فرامنطقه ای است. با حسن تدبیر و عمل

سردار شهید حسن تهرانی مقدم نه تنها در این بخش بعد از جنگ ساکن نشد، بلکه مسیر توسعه و بازسازی را رو به جلو بود و این مساله با توجه ایده های طراحی حسن تهرانی مقدم شکل گرفت... سردار سعادتى از فرماندهان دفاع مقدس(۶۰)



امام خمینی(ره) فرمودند: اسرائیل باید از بین برود. ما قدم اول این موضوع را هم فکر نکرده بودیم، اما امام کسانی مانند این شهید را داشت که این جمله هنوز از دهان امام بیرون نیامده بود به دنبال ابزاری بودن که، اسرائیل را محو کنند تا کلام امام رامحقق شود. واقعا این ها به گردن ما خیلی حق دارند.



اگر جمهوری اسلامی این افتخار را دارد که خودش را در زمره چند کشور دنیا قرار دهد، که فضا را به دست گرفته بدون شک این به برکت خون شهدایی مثل شهید مقدم است، ایشان پرچم دار ورود به فضا بودند، وگرنه امروز خیلی از بچه هایی که در حوزه موشکی دارند کار می کردند، وقتی متولد شدند که دوران دفاع مقدس تمام

شده بود، پس چطور شده که این بچه ها در این مسیر قرار گرفتند، فردی مثل شهید مقدم که روحیه اش یک روحیه جهادی بود این فضا را بعد از دفاع مقدس ادامه داد و امروز افتخار ما این است که ما در این فرصت زمانی فلان ماهواره را پرتاب می کنیم و چنین افتخاری نصیب کشور عزیزمان می شود. من اینجا نکته ای اشاره می کنم ، همه کشورهای عرب دور هم جمع شدند و در جنگ بزرگ علیه اسرائیل شرکت کردند و نتیجه دو جنگ منجر به شکست آنها شد. من بدون شک می گویم چه در جنگ ۳۳ روزه جنوب لبنان که شیعیان جنگیدند، و چه در جنگ ۲۲ روزه در غزه که اهل سنت جنگیدند، هر دو چون با فرهنگ عاشورا بود آثار و برکاتش را دیدیم. نتیجه اش این شد که این روحیه بیداری اسلامی را امروز می بینیم و همچنین در دو جنگ این ها موفق شدند نشان دهند که، فرق جنگ لیبرالیسم با فرهنگ انقلابی، فرهنگ ناسیونالیسم عربی با فرهنگ ایمان متکی به جهاد و شهادت، فرقی کجاست. اینها تاثیرات شهید مقدم هم در حوزه درون، هم در حوزه بیرون و هم در حوزه گذشت و هم در حوزه محبت است... دکتر قالیباف



با وجود آنکه دستیابی به موشک و ساختن آن نیازمند یک تکنولوژی بالا بود، و کمتر کسی باور می کرد، حسن مقدم با توکل به خدا کار را شروع کرد. از سوریه و لیبی و کره شمالی هم کمک گرفتیم ولی بدلیل سیاست های آنها و ترس و نگرانی که از دو قدرت مسلط جهانی یعنی شوروی و آمریکا داشتند نتوانستند کمک چندان مهمی به ما بدهند. و لذا با کمک مردان با ایمانی مانند حسن مقدم ها برای اولین بار پس از صد سال از عمر ساخت موشک در جهان، جمهوری اسلامی ایران هم به یک کشور موشکی تبدیل شد. هر چند افراد زیادی در ایجاد توانایی موشکی ایران، نقش داشتند ولی از برجسته ترین آنها حسن مقدم بود. محسن رضایی (۶۱)

می آیی ای دلاورم اما سرت کجاست؟
آن دست های گمشده در سنگرت کجاست؟
در شعله بار صاعقه‌ای باغ لاله خیز
آن رنگ و بوی و روی گل پرپرت کجاست؟
سر بند (یا حسین) تو کان روز گرم جوش
بادست خویش بست به سر مادرت کجاست؟
آن ساق پای خسته که چون ساقه‌های عرش
افتاده بود از کف (مین) در برت کجاست؟
چشمی که بوسه گاه پدر بود همچو مهر
در خاکریز معرکه سنگرت کجا ست؟
می آیی و دو پاره تن، اهدا به کربلاست
آن پاره‌های دیگری از پیکرت کجاست؟
چون سرو ایستاده به سنگر شدی، کنون
ای استخوان سوخته خاکسترت کجاست؟

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصرکاوه
شاعر: عباس باقری

مقدمه
طهرانی
حسن
سنگرت

زندگی بهشتی
ناصر کاوه

ناصر کاوه

وقتی تهرانی مقدم با یک تیر دو نشان زد

در بحبوحه جنگ با عراق می خواستیم یکی از موشک‌ها را به وضعیت جنگی دریاوریم ولی با مشکل مواجه می‌شدیم و موفق به انجام این کار نمی‌شدیم و هرچه تلاش می‌کردیم این کار صورت نمی‌گرفت در عین حال خیلی به آن نیاز داشتیم. در همین اوضاع بود که یکی از بچه‌های گروه شهید همت استخاره کرد و تفسیر آن این بود، "چرا به این زمین چسبیده‌اید و به خدا توکل نمی‌کنید؟... آیا به وضعیت موجود راضی هستید؟" ... وقتی من این را شنیدم فوراً پیش بچه‌ها رفتم و با توکل بر خدا موشک را در حالت جنگی قرار دادیم و آن را به سمت عراق شلیک کردیم. این موشک پس از آنکه با موفقیت شلیک شد به هدف مورد نظر که یک ترمینال مسافربری در عراق بود اصابت کرد، که همزمان شده بود با تعویض یک تیپ از مزدوران سودانی با یک تیپ مزدوران مصری... که با اصابت موشک به ترمینال موجب خسارت شدیدی شد و به جای یک تیپ، دو تیپ از نیروهای دشمن از بین رفت و این خواست خدا بود که در شلیک این موشک تاخیری پیش بیاید تا این مزدوران به محل مورد نظر بیایند... به گزارش مشرق

«شوخی موشکی قالیباف باشهیدمقدم»

آقای قالی باف تعریف کرد: سال ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ در قرارگاه بودیم که حاج حسن آقا موشکی ساخته بود با برد ۵۰ - ۶۰ کیلومتر ومی گفت به ما آدرسی بدهید که آن را بر سر عراقی ها فرود بیاوریم. منظورش این بود که موشک را به وسیله شلیکی درست و دقیق امتحان کنیم و همین طوری در میدان تیر نزنیم؛ حساب شده باشد. همه بچه ها را در جزیره مجنون جمع کردیم و خبر دادیم آن موشک را بیاورند...

بچه های اطلاعات عملیات هم تحقیق کردند و گفتند فلان نقطه، مقر خودروهای عراقی هاست که حدود ۳۰ - ۴۰ کیلومتر جلو تر آن را پیدا کردیم. بعد هم بچه های ما تصمیم گرفتند به آنجا شلیک کنند. عاقبت وقتی یکی دو ساعت تلاش کردند اتفاق غیر منتظره ای افتاد و موشک در خود سکو منفجر شد و سکو و اطرافش به هوا رفت و دو سه تن از بچه ها هم جراحت کمی برداشتند. همان سالها ما هر وقت یاد آقای مقدم می کردیم، یاد آقای قالیباف می افتادیم که می گفت آقای مقدم!... نمی خواهد به سمت عراق شلیک کنید! البته به طنز می گفت. می گفت هر وقت اسم آقای مقدم می آید به یاد آن صحنه می افتم. حاج حسن از اون استقلالی های تیر بود. هر وقت استقلال می باخت، هیچکس حق خوشحالی کردن نداشت، ولی بچه های شیطان براش شیرینی می گرفتند و به دفتر می دادند. آنقدر استقلالی بود که، رنگ پیکانش هم آبی بود.

کتاب گلخندهای آسمانی، ناصر کاوه
راوی: سرهنگ بازنشسته پاسدار مجید حسینی

مقدم
طهرانی
حسن
سکندر

زندگی پیش از شهادت

ناصر کاوه

از التماس‌های پهلوی به آمریکا... تا شاهکار شهید تهرانی مقدم

جنگ جهانی دوم بود و آلمانی‌ها ابداع مهمی داشتند. اول فناوری پیشرفته آن روزها را با ابزار جنگی آمیختند و موشک وی-۱ (V-1) را ساختند؛ نخستین موشک کروز دنیا یعنی موشکی که در مسیر پروازش قابلیت هدایت داشت. موشک‌های وی-۱ موفقیت نسبی داشتند ولی چون در ارتفاع پایین حرکت می‌کردند، قابل رهگیری و انهدام بودند. بعد در فاصله کوتاهی، وی-۲ (V-2) رونمایی شد؛ نخستین موشک بالستیک جهان؛ یعنی موشک هدایت‌پذیری که در ارتفاع بسیار بالا حرکت می‌کرد و رهگیری و انهدام آن دشوار بود. نخستین بار یکی از همین موشک‌ها در لندن فرود آمد و معلوم شد فناوری جنگی در تاریخ به مرحله جدیدی رسیده است. وی-۲ موشکی بود که در جریان شلیک‌های آزمایشی یک بار از جو زمین خارج شد و نخستین ساخته بشر نام گرفت که به فضا رفته است. پس از پایان جنگ و اشغال آلمان، روس‌ها پایگاه‌های ساخت وی-۲ را در اختیار گرفتند و آمریکایی‌ها دانشمندانش را. این‌طوری بود که جهان وارد عصر جدیدی شد. طی چند دهه توان نظامی کشورها و به تبع آن معادلات سیاسی بین‌المللی تغییر کرد و با صعود نسخه‌ای ارتقاء

یافته از همین موشک‌های وی-۲ به ارتفاع ۱۰۵ کیلومتری زمین نخستین تصویر سیاه و سفید زمین از فضا جلوی چشم بشر قرار گرفت. فناوری وی-۲ همچنین به توسعه موشک‌های ماهواره‌بر و سفینه‌های فضایی منجر شد تا در تاریخ حیات بشر "عصر فضا" آغاز شود. تا سال‌ها پس از جنگ جهانی دوم صنعت موشک‌سازی کشورها برپایه بهسازی موشک‌های وی-۲ بود. جنگ‌افزارهای محبوب... پس از جنگ جهانی، ابرقدرت‌های آن روزگار رفتند سراغ موشک‌سازی و این جنگ‌افزارها شدند نمادی از پیشرفت‌های نظامی و فناوری. موشک‌ها به دلیل برد عملیاتی زیاد، قدرت تهاجمی و تخریبی، دقت نسبی و حتی کامل و همچنین به دلیل اینکه جان خودی‌ها را به خطر نمی‌اندازند، جنگ‌افزاری مهم و اغلب مایه مباهات سازندگان شان هستند. در ایران نیز موشک‌ها بسیار محبوب‌اند؛ شاید محبوب‌تر از هر کشور دیگری. دلیلش هم اینکه انواع موشک، امروز شده‌اند بازوی نظامی قدرتمند ایران برای تامین امنیت. اما رسیدن به نقطه فعلی نه آسان بود، نه سریع؛ موشک در ایران داستانی دارد آمیخته با خون دل و جانفشانی و افتخار...

نه ... سوگوار تو نیستم
 بر آسمان می‌گیریم که همچنان
 واژگون مانده است
 بر خورشید می‌گیریم که همچنان بیهوده
 با ابرها محاذله می‌کند
 بر ماه می‌گیریم که همچنان شب
 را به‌دنبال می‌کشد
 اما بر تو نمی‌گیریم
 از کدام سیاره آمده بودی
 که با زمین کنار نمی‌آمدی، مگر آنکه
 با گام‌هایت همراه باشی؟
 به کدام سیاره برگشته‌ای
 که زمین از همیشه تباه‌تر و بیهوده‌تر
 به گرد خود می‌گردد؟
 تقدیر درخت به خاک افتادن است
 تقدیر گوسفند قربانی شدن
 تقدیر گرگ گلوله‌خوردن
 و تقدیر آدمی جان سپردن
 تو اما پشت تقدیر را به خاک رساندی
 و ماندی
 اما نه بر زمین
 و نه در آسمان
 بر نطع جاودانگی نام خداوند
 در معراجی بی‌بازگشت
 چگونه می‌توان تو را در
 سوگواری به پایان رساند؟
 سوگواران ناگزیرانند
 و تو ناگزیری را به پایان رسانده‌ای
 نه، من باری سوگوار تو نیستم
 اما پرسشی با من است
 همچون ترکشی کوچک

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
 شاعر: یوسفعلی میرشکاک

تقدیم
 طهرانی
 حسن

زندگی به پیشگاه

ناصر کاوه

ایام عزت آذربایجان

کلاهبرداری موشکی...

پیش از انقلاب، محمدرضا پهلوی رفت پیش دوستان آمریکایی‌اش که در کنار آن همه سلاح‌های میلیارد دلاری که می‌خرد، موشک هم بخرد، ولی جواب رد شنید. آمریکا حتی حاضر نشد موشک زمین به زمین «لانس» با برد ۱۲۰ کیلومتر و راکت‌هایی با برد ۶۰ کیلومتر را به او بفروشد؛ چه برسد به موشک‌های پیشرفته. معلوم شد برای آمریکا موشک‌هایش عزیزترند، تا شاه و حکومتش...! به همین منظور پهلوی دوم هم رفت سراغ رفیقش تا با کمک اسرائیل، یک پروژه برای ساخت موشک کلید بخورد که البته به سرانجام نرسید؛ این بود داستان «پروژه موشکی شکوفه» در سال ۱۳۵۶ که بعداً معلوم شد یک کلاهبرداری بزرگ نظامی بوده است. بنا به اسناد و اعتراف یک مقام بلندپایه نظامی اسرائیل، در این پروژه ایران به تکنولوژی از رده خارج دست می‌یافت و اسرائیل پول دریافتی از ایران را برای توسعه سلاح‌های بومی خود هزینه می‌کرد. القصة، پهلوی دوم موشک ندیده از ایران رفت... تلاش برای موشک‌سازی در زمان پهلوی دوم با پروژه کلاهبرداری اسرائیلی‌ها همراه بود...

موشک‌پراکنی صدام و جواب ایرانی‌ها

ایران موشک نداشت و وقتی در سال ۱۳۵۹ رژیم بعثی عراق نخستین موشک "فراگ ۷" را به دزفول زد، ایران توان مقابله نداشت. تا ۳ سال وضعیت همین بود و عراق به ایران بیش از ۱۷۰۰ حمله موشکی کرد. ایران هم چون تحریم تسلیحاتی بود، نمی‌توانست لاقلاً موشکی بخرد تا صدام از ترس مقابله‌به‌مثل از جنگ شهری با موشک دست بکشد. اینجا بود که خدا شهید حسن تهرانی مقدم را برای ایران وسیله ای کرد برای ساخت موشک... سال ۶۳ گروهی به سرپرستی این رزمنده جوان به سوریه رفتند تا فنون پرتاب موشک را فرا بگیرند و ۸ موشک اسکاد هم از لیبی خریداری شد. ۲۱ اسفند همان سال ایران بالاخره موشک‌های صدام را جواب داد و نخستین موشک ایران به پالایشگاه کرکوک خورد. بعد هم چند مرکز نظامی مهم عراق هدف قرار گرفت تا صدام موشک‌پراکنی را رها کند. همان موقع "تهرانی مقدم" دست به یک کار بزرگ کرد؛ ۲ فروند موشک اسکاد را شلیک نکرد و آنها را تحویل مهندسان ایرانی داد تا از روش ساخت آنها سر با مهندسی معکوس، سر دریاورند...مقدم ۲ موشک اسکاد را شلیک نکرد تا روند بومی‌سازی موشک در ایران آغاز شود.

موشک؛ مایه حسادت و دشمنی

جنگ که تمام شد، ایران موشک اسکاد را بهینه‌سازی کرد و شهاب ۱ را ساخت با برد ۳۰۰ کیلومتر ساخت. سال‌های بعد هم شهاب ۲ و ۳ از راه رسیدند و برد موشک ۱۶ متری شهاب ۳ به حدود ۲ هزار کیلومتر رسید. تلاش‌های ایران طی دهه‌های بعد به نتایج بزرگ رسید. "فاتح ۱۱۰" نخستین موشک کاملاً ایرانی بود و ساخت "سجیل" به دلیل سرعت بالا در جهان سروصدا کرد. کار به اینجا رسید که امروز ایران همه نوع موشکی از ساده تا پیشرفته و از انواع کروز و بالستیک و رادارگریز و نقطه‌زن و هوشمند و دوربرد را در تعداد بالا و در نسخه‌های متفاوت برای کاربردهای مختلف دارد. در واقع هر نوع موشکی که دشمن دلش بخواهد و تنش بخارد؛ از شهاب و سجیل تا زلزال و ذوالفقار و خرمشهر و سومار و فاطر و فجر و فکور و خلیج‌فارس و طوفان و حوت و عماد و فاتح و قاصد و قدر و بینا و سیمرغ و قدیر و شلمچه و محراب و میثاق و نصر و نور و والفجر و کوثر و قادر و عقاب و رعد و زوبین و مبین و عاشورا و صیاد و عصر و سفیر و مرصاد و قائم و صاعقه و توسن و ظفر و قیام و شفق و آرش و فلق و یاسین و شاهین و... را در اختیار دارد. همین موشک‌ها

مایه حسادت خارجی‌ها شده‌اند و قدرت نظامی ناشی از آنها برای امنیت ایران، دشمنی غربی‌ها را برانگیخته است. به ویژه آنکه ایران دانش بومی ساخت انواع موشک را به دست آورده و دیگر نیازی به کمک دیگران ندارد که آیا کمک بکنند یا نکنند... موشک‌های ایرانی از انواع مختلف، به تعداد بالا و در نسخه‌های متفاوت ساخته می‌شوند. آخر قصه!... حالا ایران بزرگ‌ترین زرادخانه موشکی خاورمیانه را دارد؛ با موشک‌های با کیفیت بالا، نسخه‌ای از موشک قدر به اعتراف کارشناسان نظامی بین‌المللی در رده سریع‌ترین و رادار گریزترین موشک‌های دنیا قرار دارد. از فناوری همین موشک‌ها نیز ایران توانست در عرصه فضا بدرخشد و یک نمونه‌اش اینکه ماهواره‌بر "کاوش ۱" و "سفیر" را ساخت و شد نهمین کشور دارنده فناوری ارسال ماهواره به فضا. آخر قصه این شد که " شهید حسن تهرانی مقدم" که بنیان‌گذار صنعت موشکی ایران بود و در تمام این سال‌ها روی پروژه‌های ساخت انواع موشک نظارت داشت در سال ۹۰ در حادثه انفجار پادگانی در ملارد شهریار، پاداشش را گرفت و آسمانی شد؛ خودش رفت و امنیتی که برای ایران ساخت، ماند و همیشه خواهد ماند به فضل خدا امنیت ناشی از موشک‌های ایرانی...

ابتکار و نوآوری و به چالش کشیدن دشمن

شهید تهرانی مقدم یه تزی داشت و همیشه می گفت: سیستم گنبد آهنین که در اسرائیل عملیاتی شده و آمریکا بیش از ۹۰۰ میلیون دلار به آن کمک کرده و رهگیری هر موشکی که به سمت آن شلیک می شود ۲۰ هزار دلار هزینه داشته و لذا ما با یک راکت ۱۰۰ دلاری این سیستم را به چالش می کشیم... این یعنی "ابتکار و نوآوری و دشمن را به چالش کشیدن" و خرج روی دستانش گذاشتن... ایشان می گفتند: آمریکا ۱۰ ناو هواپیمابر دارد که نشان اقتدار این کشور است و غرق کردن این ناوها سخت، ولی شدنی هستند و اگر این اتفاق بیفتد ابهتش شکسته می شود. و برای هدف قراردادن آنها با موشک بالستیک برنامه داشت و همیشه میگفت بجای اینکه این ناوها را با موشکهای هدایت شونده بزنیم میشود آنها را با موشکهای بالستیک زد که به طور عمودی بالا میروند و سپس از بالای جو زمین به سوی ناوها حرکت میکند که هیچ چیزی جلوی آنها نمیتواند بگیرد. اینها فقط از ذهن بالاترین نخبه های نظامیان جهان تراوش می کند و همین طرز فکرکردنها بود که ایشان را به یک انسانی تبدیل کرده بود که "تراز فکری" ایشان بالاتر از همه بود و همیشه پیشتاز بود و افق های آینده را بهتر و زودتر از همه می دید...

کتاب ذوالفقار ولایت-ناصرکاوه
راوی: سرلشکر پاسدار حسین سلامی،
فرماندهی کل سپاه

مقدم
طهرانی
مقدم
مقدم

زندگیشهدا

ناصر کاوه

"فصل هفتم : شهادت"

این شهادت ها در نگاه اول سند نوین دیگری بر جاودانگی و عظمت ملت ایران است، چرا که شهادت از سرشت و جاودانگی همیشگی خبر می دهد. هر ملتی که در او مردانی وجود دارند که خطرات بزرگی را شکافته و جان خود را در معرض فداکاری قرار می دهند، این ملت همواره مقتدر خواهد ماند. روح بلند این شهدا در کنار قافله های دیگری از ملت که زنده و جاودانه در متن جامعه، حرکت کرده و نشان داد، حیات در ایران جاری است. امروز ما با نام جدیدی در عرصه بازدارندگی و حرکت تاره دیگری در عرصه دفاع و خورشید دیگری از یک نسل فداکار آشنا شدیم؛ سردار مقدم برای ملت ایران، نامی جدید است. سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه (۶۳)

ایشان با شهید صیاد شیرازی خیلی رفاقت و ارتباط صمیمی داشت. به طوری که شهید صیاد شیرازی چه در طول جنگ و چه بعد از جنگ و قبل از شهادت هر وقت مرا می دید می گفت، هوای حاج حسن را داشته باش. مراقب حسن باشید. شهید صیاد شیرازی

می گفت، من حسن را خیلی دوست دارم. تعصب ایشان به نظام و تعصب ملی ایشان فراتر از تعصب سازمان شان است. ایشان فقط به فکر سپاه و نیروهای مسلح نیست، بلکه کل نظام و بلکه تمام مصالح اسلام مد نظرش بود... سردار حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه (۶۴)

هیچ گاه فراموش نمی کنم که یک شب بارانی در صحن مسجد گوهرشاد روبروی گنبد امام رضا(ع) پس از مدتی توسل از آقا خواستم که یکی از اولیاء خودت را به من نشان بده، تا شاید بواسطه او گرد معرفتی بر دامن گناهکارم بنشیند و بواسطه دم مسیحایی او شاید زنده شوم، چندثانیه بیشتر نگذشته بود که در آن طرف مسجد دیدم حسن آقا سر به سجده دارد و با خدای خود مشغول به راز و نیاز بود، پیش خودم یاد شعر حافظ افتادم که می فرماید،

"سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد"

رفتم کنارش، در حال و هوای خودش بود، سلام کردم مثل همیشه با

تبسم دستهای مهر بانش را بازکرد و مرا درآغوش خودش گرفت.
هنوز بوی شهیدان را می داد، خیلی خوشحال به نظر می رسید..
پس از پرس و جو، فهمیدم پس از انجام عملیات بر علیه منافقان
(جهت انتقام گرفتن از خون شهید صیادشیرازی)، برای تجدید بیعت
و شکرگزاری خدمت امام رضا (ع) رسیده بودند. به یاد توسل و
خواسته ام از امام رضا(ع) افتادم و یقین کردم عملیاتی که ایشان
رهبری کرده موردقبول خدا واقع گشته و به واسطه انجام خالصانه
این عمل به مقام اولیاء الله و مقربین رسیده است... روایتی از
ناصرکاوه

صدای انفجار آمد، و خبرهای ریز و درشت پشت سرش. بعدتر
فهمیدیم خیلی‌های پر کشیده‌اند. حاج حسن مقدم هم بین آن‌ها
بوده. بعضی‌ها دارند ذوق مرگ می‌شوند و انواع بدل و شیرین‌کاری را
به خودشان نسبت می‌دهند، و اصرار دارند بگویند دست شان توی
کار این انفجار بوده. موساد می‌گوید و سکه قلبی به اسم خودش
می‌زند و عرضه‌ی نداشته‌اش را عرضه می‌کند. تایم تکرار می‌کند،

هاآرتص در تلآویو قیافه می‌گیرد که یعنی کار ما بود و این حرفها. از ادعای شان که بگذریم می‌رسیم به اینکه ماجرا را تا آخر ندیده‌اند. اینکه برای بعضی مفاهیم واژه ندارند و معادلات شان را ناقص می‌نویسند. مثلا در همین مورد. آنها بعد از "حاج حسن" می‌نویسند "یکی به نفع ما" و ما می‌نویسیم به برکت خون شهید "هزارتا به نفع ما". عبدالرضا، از بچه‌های یکی از بهترین دانشگاه‌های تهران است، و تا همین چند وقت پیش می‌شد گفت نه حزب‌اللهی و نه معاند است. سرش به کار خودش بود. همین ریاضی محض می‌خواند. می‌توانست دو رشته را نیز هم زمان بخواند ولی نمی‌خواست. بس که عاشق سر و کله زدن با عددها بود. از یک دانشگاه اسم و رسم‌دار خارجی هم پذیرش دارد، و قرار بود تا عید برود. حسن مقدم که رفت و خبرش آمد، عبدالرضا را دیدم نشسته پای خبرها و اینترنت را زیر و رو می‌کرد و عکس‌های شهید مقدم را تماشا می‌کرد. روز تشییع نیامد، رفته بود برای تشییع شهدا... نمی‌دانم چه گذشت، همین‌قدر فکر کنم "برکت خون شهید" کار خودش را کرد. از عبدالرضا هم که می‌پرسم خودش درست نمی‌داند چه خبر شده، همین‌قدر معلوم است که دلش را همراهش برده،

رفته بود فرم تقاضای تغییر رشته را پر کرد. می خواهد هوافضا بخواند، فقط هوافضا. همین جا توی تهران. می گوید دلش می خواهد استعداد حساب و کتابش را ببرد خرج موشک کند. می پرسد چطور می شود بروم توی سپاه؟... پشت سر قدم های رفتن حاج حسن چند نفر عبدالرضا شده اند؟... حالا چند چند، شده به نفع ما؟... و این است یکی از هزاران اثر خون شهید "حاج حسن".... (۶۶)

سرلشکر شهید حسن مقدم و همکارانش در سازمان جهاد خودکفایی سپاه هم چون دوران دفاع مقدس ، شبانه روز مجاهدتی مخلصانه را برای ارتقای قدرت نظامی و دفاعی کشور سامان می دادند و خداوند این گونه مقدر ساخت که خلعت زیبای شهادت را در ایام عید غدیر به قامت استوار آنان بیوشاند... سردار رحیم صفوی (۶۷)

او نباید در بستر آرام می گرفت. او شایسته شهادت بود و شهادت شایسته او، او باید با شهادت به دیدار معبود می شتافت. نحوه و

زمان شهادت او بیانگر دو نکته مهم است، اول آنکه او به عاشورا علاقمند بود و عاشورایی شد و دقیقاً همانند سید و سالار شهیدان کربلا به خدا پیوست. دوم اینکه او به امامت و ولایت و رهبری امت اسلامی علاقمند و ولایی بود و در دهه ولایت و امامت به شهادت رسید و به همراه یارانش شهدای غدیر نام گرفت... سردار محسن انصاری (۶۷)

پدر عادت داشت هر عید مذهبی که پیش می آید، به همه اعضای خانواده عیدی دهد. این رسم از سال ها پیش در خانه ما مرسوم بود. امسال برخلاف سال های قبل در عید سعید قربان، پدر عیدی به ما نداد اما گفت امسال عیدی روز قربان را روز عید غدیرمی دهم. می خواهم پس از تمام شدن این پروژه، تمام اعضای خانواده را به مسافرتی ببرم، تا جایگزین عیدی روز قربان شود. اما امسال نه تنها عیدی نگرفتیم بلکه خداوند عیدی روز قربان ما را ، شهادت پدرم قرار داد. خداوند این قربانی را از ما به عنوان عیدی روز قربان قبول کند. انشاء... فرزند شهید حاج حسن تهرانی مقدم (۶۸)

خبر رسید که طهرانی مقدم ، پر
 چنان پرید که گنجشک از قفس افتاد
 کجا؟ ملارد، چگونه؟ به دست موشک ، کی؟
 همینکه لرزه به اندام پایتخت افتاد
 مقام عالی سرداری اش گوارایش
 بی ادعایی این پارسایی ارزش داشت
 کسی ندید که احساس خستگی دارد
 برای جنگ وجودش خدایی ارزش داشت
 اگر چه واقعه یک واقعیت سخت است
 کسی ز خط مقدم بعید برگرده
 خبر رسید که طهرانی مقدم رفت
 به پیشواز خطر تا شهید برگرده
 خبر به حضرت آقا رسید و جای زمین
 دو چشمه ی پر اشکش به لرزه آمده بود
 دوباره در دلشان زخم جبهه لب وا کرد
 پس از پیام به اظهار تسلیت فرمود
 گلوله از تو و برخورد تو گله مندم
 هنوز از جگرم خون تازه می آید
 دلت برای پسرهایمان نمی سوزد
 هنوز جای پدرها جنازه می آید



کتاب ذوالفقار ولایت، ناصرکاوه
 شاعر : صابر خراسانی

مقدم
 طهرانی
 حسن
 شهید

زندگی پر از شهدا
 ناصرکاوه

ناصرکاوه

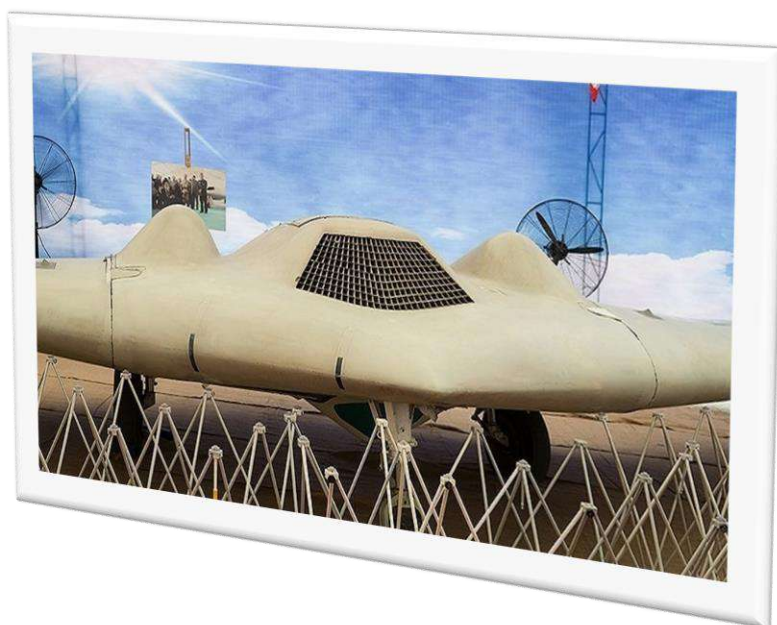
کتاب ذوالفقار ولایت

پایتخت آرزو

زني که چادر مشكي همیشه بر سر داشت
شکسته، از لبه سنگ قبر، سر برداشت
نگاه دوخت به باران، به رنج نامه ابر
و ابرهاي دلش بي صدا ترك برداشت
طنين حق حق ابري سپاه پوش شکست
فضاي خاطره از بس که بغض در بر داشت
دوباره عصر غم اندود پنج شنبه گذشت
و تا همیشه زني چشم خيس بردداشت
دوباره قلب خودش را مرور کرد، هنوز
بر مرد گم شده اش عشق صد برابر داشت
و روزها سپري مي شدند از پي هم
و زن به زندگي انگيزه مکرر داشت
(مرتضي روجي)

حسن مقدم همیشه مایل بود گمنام باشد و در سپاه عمدتاً غیر از
خواص کسی ایشان را نمی شناخت. در طول ۳۰ ساله که توفیق

شاگردی او را داشتم، و در این مدت خیلی چیزها از ایشان دیدیم و یاد گرفتیم. از همان سال های اول دفاع مقدس، چیزی که در ایشان خیلی بارز بود این بود که همه کارهایش برای خدا بود. دیگران را توصیه به عمل برای رضای الهی می کرد و خودش هم این گونه عمل می کرد. یک برداشت مشترکی میان همه دوستانی که ایشان را از نزدیک می شناختند وجود داشت و آن این بود که هر وقت به چهره شهیدحسن مقدم نگاه می کردیم گویی به یک چهره بهشتی نگاه می کردیم، مطمئن بودیم که ایشان بهشتی است. او یک انسان چند بعدی بود که همه ابعاد را باهم داشت و رعایت می کرد. آمریکایی ها هواپیمایی را با عنوان شکارچی نامرئی که فوق پیشرفته و رادار گریز است، با انواع امکانات به آسمان ایران فرستاده بودند، اما خداوند پاداش عزاداری ها را به ما داد و فقدان سردار تهرانی مقدم که با شهادت ایشان سنگری خالی شد، را برای ما جبران کرد. این باز شکاری آمریکایی توسط شکارچی های ما شکار شد و این اتفاق در ایام محرم و در سرزمین طبرس واقع شد، که در واقع نوعی دل گرمی برای ملت به پاخاسته ماست.



خون امام حسين(ع) در رگ امام خميني(ره) جريان داشت و اين موضوع به مقام معظم رهبري نيز در حد اعلا به ارث رسيده و به همه مردم و جوانان ما تزريق شده است؛ بنابراین ملت شجاع ايران از هيچ تهديدي نمی ترسند و اين مدد غيبي پروردگار به وضوح نشان می دهد که ملت ايران و نيروهاي مسلح سرافراز در صحنه دفاعي ايستاده اند، و از هيچ قدرتي واهمه ندارند و جواب متجاوزان را می دهند... حجت الاسلام والمسلمين صديقي، امام جمعه موقت تهران (۷۰)

هم صحبت باران

عاشقی کرد و هم صحبت باران شد و رفت
در غم خویش چنان ابر بهاران شد و رفت
دید انگار زمین کوچک و تنگ است بر او
زین برافراشت و در جمع سواران شد و رفت
با خودش برد رفیقان قسم خورده خود
هم ردیف همه سلسله داران شد و رفت
قطره های غم دوری همه را یک جا ریخت
غرق در عاشقی پیر جماران شد و رفت
مزد عاشق شدنش بود که در آتش عشق
خنده ای کرد و دور از همه یاران شد و رفت
(امیر صادقی)

آرزوی شهادت را همیشه داشت و شهادت برازنده اش بود. جالب است چند وقت پیش در یکی از سخنرانی هایش او را ملاقات کردم پس از پایان سخنرانی همدیگر در آغوش گرفتیم و او به من گفت شاید این آخرین باری باشد که همدیگر را ببینیم و مدام از رفتن

می گفت. دقیقا" چنین اتفاقی را در رابطه با آخرین ملاقاتم با شهید احمد کاظمی تجربه کردم. ۵ روز قبل از شهادت شهید کاظمی موقع خداحافظی به من گفت شاید همدیگر ا دیگر نبینیم. حالا معنی این شایدها رامی فهمم و منظور این دو شهید را از آخرین دیدار درك می کنم... برادر کریم صفایی (۷۱)

بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ آبان ماه دقایقی پس از انفجار زاغه مهمات سپاه در حوالی کرج، برادرم سردار سرلشکر رشید جانشین ریاست ستاد کل نیروهای مسلح، خبر شهادت حسن تهرانی مقدم را به من داد. خبر، بسیار تکان دهنده بود. اندوه سراسر وجودم را فرا گرفت. دو سه ساعتی بیش نگذشته بود که خبر درگذشت فرزندم احمد را دریافت کرده بودم. قلبم پر از غم و حزن بود، پس از نماز مغرب بدون اینکه حتی خبر درگذشت احمد را با خانواده ام در میان بگذارم به منزل شهید حسن مقدم رفتم (مادر احمد هم قبل از من برای تسلیت به منزل شهید مقدم رفته بود)، در آنجا مدتی نشستم و به خانواده شهید تسلیت گفتم، قرآن تلاوت شد تعدادی از دوستان

هم در آنجا بودند. شهادت حسن و درگذشت احمد بسیار بر قلبم سنگینی می کرد، اما از درگذشت او سخنی نگفتم و پس از آن به منزل آمدم و کم کم خبر احمد را با خانواده و اطرافیان در میان گذاشتم. حسن و احمد را بزرگ کرده بودم اگر بگویم عمرم بیشتر با حسن سپری شده تا احمد اغراق نکرده ام و اگر بگویم حسن را کمتر از احمد دوست نداشتم خلاف نگفته ام. البته قبل از این دو، در شهادت شوشتری، احمد کاظمی، باکری، باقری، خرازی، همت، دقایقی و ... بارها گریستم، ولی این بار دو حادثه دردناک و پی در پی، برایم سخت بود. آن هم در شرایطی که در ظاهر، جنگی در کار نیست و آن آمادگی های روحی ناشی از جهاد که در معرکه نبرد، انسان ها را پایدار می سازد کمتر وجود دارد. تحمل و مقاومت انسان، جز با عنایت الهی ممکن نیست، ولی همواره مهم ترین تکیه گاه من در چنین شرایطی حماسه عاشورا بوده است. تأمل در اینکه در مقابل چشم امام معصوم، در یک نیمروز، حدود هفتاد نفر از فرزندان و برادران و بهترین یاران امام حسین(ع) به شهادت می رسند، تحمل شهادت و فقدان عزیزان را بر آدمی هموار می سازد... یادداشت محسن رضایی (۷۲)

برخي از انسان ها بر تارك تاريخ مي درخشند و تا آخرين لحظه
زندگي خود درخشش خود را حفظ مي كنند و شهيد ت مقدم از جمله
اين انسان ها بود... حجت الاسلام و المسلمين علي سعيدي (۷۴)

با احساس مسئوليت و خشوع در برابر خداوند متعال مانند يك انسان
زاهد به مسئوليت و كارش ادامه مي داد. وقتي تواضع، خلوص،
ايمان و ... را نگاه مي كنيم، شايبسته اين بود كه به اين مقام والا
برسد. لذا مي توانيم به جرأت بگوئيم كه اين افتخاري است كه
نصيب او شده است. اين مدال افتخار را خداوند به او داده است، و
در هر نيكويي عمل نيكوي ديگري وجود دارد، و جزء شهادت در راه
خدا كه برتر از آن وسيله كار صالح ديگري در تصور نيست پايان
پيدا مي كند، و اين پاداشي است كه خداوند به مجاهدان و صالحان
ميدهد. اين بزرگمرد عارف در راه ائمه اطهار(ع) قدم نهاد و اين
شهادت مدال ارزشمندي است و اين افتخار بزرگي است كه نصيب
ايشان و يارا نش شده، واين شهيد گرانقدر لياقت و خلوص آن را
داشت، و خداوند متعال اين افتخار بزرگ را نصيب ايشان كرد. همه

این افتخارات از مکتب امام حسین(ع) است و این افتخار بزرگی است که نصیب ما شده است... آیت الله محمد حسن اختری (۷۳)



چند روز پیش از شهادت شهید تهرانی مقدم، جلسه ای با ایشان برگزار کردیم که این شهید در آن جلسه اعلام کرد کار پروژه بزرگ و سرنوشت ساز در حوزه نظامی را تمام کرده است. در این پروژه بیش از ۲۰ فن آوری پیشرفته وجود دارد که شهید تهرانی مقدم اعلام کرد مشکلی که برای این پروژه در آزمایش یک ماه و نیم قبل پیش آمده بود، رفع شده است. در آن جلسه نوعی نگرانی برای من ایجاد شد که وی از خدا تقاضای شهادت کرده است. شهدای بزرگی مانند احمد کاظمی و حسن تهرانی مقدم زمانی که احساس کنند کار دیگری برای انجام دادن نمانده است به دنبال شهادت می روند که این مسئله در چهره شهید مقدم هویدا بود... سردار سرلشگر، محمد علی جعفری، فرمانده اسبق سپاه پاسداران (۷۵)

امروز انقلاب اسلامی برای بشریت الگوهایی چون سرلشگر شهید مهندس حسن تهرانی مقدم را می‌تواند عرضه کند که نمونه يك انسان موفق و متعالی در همه عرصه‌هاست و این در حقیقت اوج کمال در يك انقلاب مردمی است، انقلابی که با تأسی به ارزش‌های والای الهی سامان یافته و فرزندان این چنین دلباخته حضرت دوست و عاشقانی چنین محو جمال ازلی که در عرصه‌های خدمت به خلق پیشتاز و آرزوی نهایی خویش را جانبازی در راه محبوب و شهادت را نهایت آرزوی خویش می‌دانند. او در دههٔ ولایت به همراه هم‌زمان پاکش به فرمایش مولایش حضرت امام خامنه‌ای عزیز اجر جهاد خویش را با شهادت گرفت و به برادر و هم‌زم شهیدش علی که در دفاع مقدس در کنار شهید عارف دکتر مصطفی چمران در آغاز جنگ تحمیلی به شهادت رسیده پیوست و بر عهد و پیمانی که با خدای خویش بسته بود با نثار خون پاکش ایستاد و سرافراز به ملکوت اعلی پیوست. باشد که هم‌زمان او در این دوران پرفراز و نشیب و تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی در زیر علم سرخ حسینی(ع) پرچم دار علوی انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای تداوم بخش راه پیروز او باشند و راه غدیر خم را از مسیر عاشورا تا نیل به قیام

نجات بخش بشریت حضرت حجت ارواحناله الفداء به پیش برند...

سردار سرلشکر پاسدار مصطفی ایزدی (۷۶)

انصافاً "دفاع مقدس و انقلاب ما ریشه اش در نهضت امام حسین(ع) و در فرهنگ کربلا و عاشورا است و می دانیم بچه هایی که در این فرهنگ شکل گرفتند چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب در اوج بودند. ویژگی شهید تهرانی مقدم این بود که توانست در دوران دفاع مقدس آن را پیدا کند و به آن عینیت ببخشد، و ما معتقدیم فرهنگ جهاد و شهادت و فرهنگ عاشورا زمانی قابل تداوم است که با یک روحیه ایمان با جهاد همراه باشد. اگر روحیه ایمان توأم با جهاد باشد دیگر تنها به این نیست که در فضای دفاع مقدس و بعد از سال ۶۸ که جنگ به پایان رسید ما بگوئیم که باب شهادت و جهاد هم بسته شد ، این شکلی نیست و این روحیه جهاد و ایمان چون در شهید تهرانی مقدم بود هرگز ایشان از پای نمی ایستاد، و کار را ادامه داد... دکتر قالیباف شهردار تهران (۷۷)

چرا چون خار فرسودم در این باغ
چرا بی داغ، آسودم در این باغ
گلستان در گلستان لاله رویید
چه می شد لاله ای بودم در این باغ

گل اشکم شبی وا می شد ای کاش
همه دردم مداوا می شد ای کاش
ابه هر کس قسمتی دادی خدایا
شهادت قسمت ما می شد ای کاش

خوشا آنان که جانان می شناسند
طریق عشق و ایمان می شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیدان
شهیدان را شهیدان می شناسند

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
شاعر: علیرضا قزوه

کتابخانه شهیدان

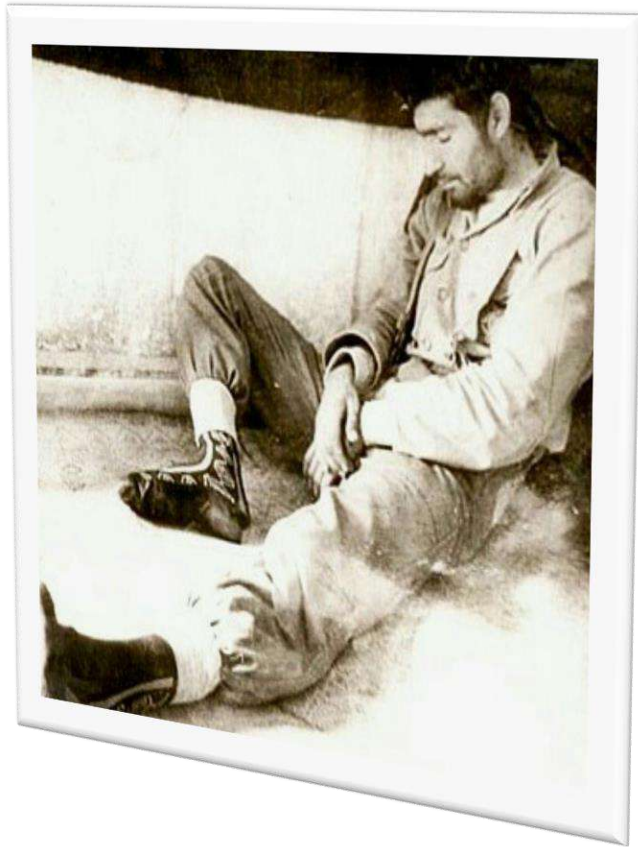
مقدمه
طهرانی
حسن
شهید

زندگی پیش شهید

ناصر کاوه

پایگاه ادبی





شهید گمنام

باید تعریف جدیدی از شهید گمنام ارائه دهیم... گمنام تر این شهید هم هست؟... اصلا این شهدای متأخر جور دیگری هستند... هم گمنام و بی نشان، هم نزدیک و ملموس... به احمد کاظمی قول داده بود رهایش نکند... مثل شوشتری که دو سال تمام دلتنگ حاج احمد بود... تله من الاولین و قلیل من الآخین...

روی سنگ قبرم بنویسید:

"اینجا مدفن کسی است که می خواست اسرائیل را نابود کند."



"شهید مقدم" همیشه به عنوان یک آرزو بیان می کرد، ما دنبال این هستیم که با ایجاد شرایطی برتر، "ذوالفقار علی (ع) در نیام، در دست ولی فقیه باشیم" و مملکت امام زمان (عج) را از هرگونه چشم داشت خائانه و طمع ورزانه ای که دشمنان انقلاب به آن دارند، مصون بداریم... او همچنین وصیت کرد تا دستمالی را که با آن، گریه‌های در مصیبت اهل بیت و به ویژه حضرت سیدالشهداء (ع) را پاک کرده بود با وی دفن کنند... شهید مقدم در بخشی از وصیت نامه خود بر لزوم اقامه عزا برای سید و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی(ع) تأکید کرده و در وصیت نامه اش آورده است که: "هر وقت به یاد من افتادید برای شادیم یاد و ذکر اهل بیت (ع) و ذکر مصیبت آقا اباعبدالله و ائمه اطهار(ع) نمائید..."

راه باز است

و اکنون دلم مانده با بی قرارِ خدایا!
 پری مانده از آن پری، یادگاری خدایا!
 کسی رفت و مانده نگاهی شکسته به راهش
 تمام غزل های دریا شهید نگاهش
 شکستند آیینی را که نور خدا داشت
 گلوئی تری را که گل بوسه از مصطفی داشت
 من و دست لرزان و چشمی که پولک نشان است
 غم من، غم دوری از مردم آسمان است
 به دنبال تابوت تو، کوچی ها را دویدم
 تو را روی دستان خونین این شهر دیدم

و اکنون به یاد تو در ورطه انقراضم
من از دودمانی غریبم، من از اعتراضم
منم کودکِ سیلی سرد و گهواره درد
منم کودکِ سرزمینی که روئید از آن مرد
عجب روزهای غریبی به راهت نشستم
ندیدی برادر چگونه برایت شکستم
پس از سال ها انتظار غریب و تب آلود
تن بی سرت یافتم در دل آتش و دود
گلوی تو بی تابی دشنه را تاب آورد
کجایی برادر، علمدارمان آب آورد!
الهی که خاکستر پیکرت را ببوسم
پر از ناز خنجر شوم، حنجرت را ببوسم
ورق های تقدیر از روی تو شرم دارد
از این پس دل من به پای تو سر می گذارد
پس از تو من و قاب عکس تو ماندیم باقی
من و خاطراتی خوش از روزهای آقایی
من و دست لرزان و چشمی همیشه خلیجی
من و چفیه و بند پوتین مردی بسیجی
بدون تو آواره جبهه و سنگر و خاکریزم
بدون تو تابی نمانده برایم عزیزم...

تغییر هندسه قدرت جهانی در زیر سایه موشک ها
 سانحه تلخ و دردناک کشتی سانچی یادتان هست که مجبور
 بودیم برای دور زدن تحریم ها از پرچم پاناما استفاده کنیم؟...
 بعد از اعمال قدرت سپاه در خلیج فارس و ادب کردن دزدان
 دریایی ملکه انگلیس و توقیف نفتکش انگلیسی و انهدام
 پهپادفوق پیشرفته گلوبال هاوک و شخم زدن پایگاه های
 آمریکایی عین الاسد، هندسه قدرت در جهان تغییر کرده است
 حالا بدون هیچ گونه اسکورت نظامی و تنها با پرچم مقدس
 جمهوری اسلامی، می توانیم تحریم ها را لگدمال، آمریکا را ضایع
 و بنزین به ونزوئلا صادر کرد و طلا به کشورمان وارد کنیم. این
 است مدیریت جهادی، که می تواند ماهواره را تا ارتفاع ۳۶ هزار
 کیلومتری و بنزین را تا حیاط خلوت آمریکا ببرد...
 کتاب ذوالفقار ولایت، ناصرکاوه

مقدم
 طهرانی
 حسن
 مسکندر

زندگی پیش از شهادت

ناصر کاوه

بایسته است ادرک

"پیوست شماره ۱"

زندگینامه: حسن تهرانی مقدم (۱۳۳۸ - ۱۳۹۰)

حسن تهرانی مقدم ۶ آبان ماه ۱۳۳۸ در محله سرچشمه تهران متولد شد. به علت شغل پدرش (محمود تهرانی مقدم)، که به پیشه خیاطی مشغول بود، به محله شکوفه و سپس به محله بهارستان نقل مکان کرد و مقاطع ابتدایی و دبیرستان را در همین مناطق گذراند...

ورود به فعالیت‌های مسجدی در مسجد زینب کبری(س)؛ ۱۳۴۸
در مسجد زینب کبری سرچشمه، زیر نظر آیت‌الله سیدعلی لواسانی امام جماعت و مدیر مسجد، تعلیمات دینی و مقدمات آشنایی با اسلام را فرا گرفت و به همراه برادرانش در گروه سرود مسجد شروع به فعالیت کرد. این گروه سرود، هسته اصلی گروه سرودی بود که در روز ۱۲ بهمن ۵۷ در فرودگاه مهرآباد و در مراسم استقبال از امام(ره) به اجرای برنامه پرداخت...



روایت آیت‌الله لواسانی از آن دوران: «محل ما خیابان امیرکبیر، کوچه آمیز محمود وزیر است. آنجا یک مسجد و یک حوزه علمیه داریم و خانه ما هم کنار مسجد است. وقتی می‌رفتیم برای نماز، کارهای دیگری هم می‌کردیم. مثلاً با نوجوانان کار می‌کردیم و برایشان نامه داشتیم. یک گروه سرود هم درست کرده بودیم که در روزهای انقلاب برای خودش، برو بیایی داشت.»

قبولی در دانشگاه در مقطع کاردانی؛ ۱۳۵۶

شهید بزرگوار حاج حسن طهرانی‌مقدم پس از پایان دوره تحصیلات متوسطه در رشته صنایع (برش قطعات صنعتی) در مقطع فوق دیپلم مدرسه عالی تکنیکوم نفیسی پذیرفته شد.

همراهی در مبارزات انقلابی؛ ۱۳۵۷

همزمان با اوج‌گیری فعالیت انقلابی، تحت تاثیر برادرش (محمد) به صف انقلابیون پیوست... او در روزهای منجر به پیروزی انقلاب به اتفاق دوستانش در فعالیت‌های زیرزمینی، نارنجک‌های دستی می‌ساخت که با استفاده از سه راهی لوله آب تولید می‌شد. شب ۲۲ بهمن در میدان امام حسین (فوزیه سابق) با پرتاب نارنجک دستی یک خودروی نظامی ارتش را مصادره و سرهنگ سوار بر خودرو را به اسارت درآورد.

اخذ مهندسی صنایع؛ ۱۳۵۸

حسن طهرانی مقدم در سال ۱۳۵۸، در مقطع لیسانس رشته مهندسی صنایع پذیرفته و به اخذ مدرک مهندسی در این رشته موفق شد.

عضویت در سپاه پاسداران؛ تیرماه ۱۳۵۹

طهرانی مقدم در ۲۱ سالگی و در ابتدای شکل‌گیری رسمی سپاه پاسداران، به عنوان مسئول اطلاعات منطقه‌ی ۳ سپاه شمال، مشغول به فعالیت شد و تا ۳۱/۷/۵۹ در این سمت باقی ماند. در زمان بروز ناآرامی‌ها در نقاط مرزی که مهم‌ترین آنها حوادث تجزیه‌طلبانه در کردستان بود، سپاه را در ۱۵ ماه اول عمر خود متوجه ضرورت تقویت صبغه نظامی کرد.

با این رویکرد تا شهریور ۱۳۵۹ که کشور در آستانه هجوم رژیم بعث عراق قرار گرفت، حداکثر توان رزمی سپاه، تعداد معدودی گردان‌های رزمی بود که با روش‌های چریکی و غیر کلاسیک، درگیر مبارزه با اشرار و ضد انقلابیون مسلح در کردستان شدند.

سنگین‌ترین سلاحی که در آن دوران در اختیار سپاه بود، تعدادی خمپاره‌انداز و آرپی‌جی و تیربار بود، در حالی که در همین وضعیت، ضد انقلابیون در کردستان، حتی به توپخانه نیز مجهز بودند. شاید آمار کل سلاح‌های سپاه در آن مقطع از چند هزار تفنگ ۳G، کلت، آرپی‌جی و ده‌ها قبضه خمپاره‌انداز تجاوز نمی‌کرد.

جرقه‌های شکل‌گیری توپخانه سپاه؛ ۱۳۵۹

بعد از عملیات ثامن‌الائمه که منجر به رفع محاصره آبادان شد، از جمله غنائم به دست آمده از عراق، یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ میلیمتری کششی بود که از جانب دشمن در شمال آبادان، بین دارخوین و پل مارد مستقر بود.



این آتشبار توپخانه بلافاصله تعمیر و عملیاتی شد و در همان منطقه، علیه دشمن به کار گرفته شد. سه ماه بعد در عملیات فتح بستان، مجدداً یک گردان توپخانه ۱۳۰ میلیمتری و یک آتشبار ۱۰۵ میلیمتری پرتغالی ارتش عراق از سوی رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین(ع) اصفهان به غنیمت گرفته شد که این گردان به دستور حسین خرازی(فرمانده تیپ) سازماندهی شده و در عملیات فتحالمبین در پشتیبانی از گردان‌های مانوری بسیجی مبادرت به اجرای آتش کرد. این دو اتفاق، مبادا شکل‌گیری توپخانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

شهادت برادر؛ عاشورای ۵۹

علی طهرانی‌مقدم، ظهر عاشورای سال ۵۹ در اوایل جنگ و در محاصره سوسنگرد به شهادت رسید.



در سیره اخلاقی حاج حسن مقدم، این بحث مقام و مسئولیت و جایگاه مطرح نبود؟! در آن زمان شهید شفیع زاده مسئول ادوات در آبادان بود و حاج حسن جوانی بود که آمده بود و جزو نیروهای تحت امرایشان بود، بعد از مقطعی ایشان ارتقاء پیدا می کردند و شفیع زاده مجروح می شود، حاج حسن می شود فرمانده، و بعد که شفیع زاده برمی گردد و می شود جانشین. این جریان در طول جنگ و بعد از آن بین مسئولین اتفاق می افتاد. این نمونه را من در شهید شفیع زاده و شهید مقدم دیدم که برای شان ذره ای تفاوت نمی کرد، که چه کسی مسئول باشد... ما باید از این صحنه های اخلاقی و معرفتی این شهیدان بزرگوار، درس اخلاق بگیریم...

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
راوی: سردار امیرعلی حاجی زاده
فرمانده نیروی، هوافضای سپاه

مقدم
طهرانی
حسن
شهید

زندگی پیشگام شهید

ناصر کاوه

بایگ پست اداره

مسئولیت تطبیق آتش خمپاره‌ای سپاه در قرارگاه کربلا

در عملیات طریق‌القدس؛ آذر ۱۳۶۰

حاج حسن بعد از عملیات ثامن‌الائمه، متوجه ضعف آتش پشتیبانی خودی مستقر در خطوط مقدم جنگ شد، مدت‌ها روی این موضوع فکر کرد و سرانجام در پاییز ۱۳۶۰ طرح ساماندهی آتش پشتیبانی (خمپاره‌اندازها) را به صورت سنجیده و مدون تقدیم حسن باقری کرد. نامه را محسن رضایی (فرمانده وقت کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) امضا کرد و تحویل حسن باقری داد و حسن باقری آن را به حسن مقدم داد. حاج حسن نامه تایپ شده را خواند و دید طرح خودش درباره ساماندهی خمپاره‌اندازها به منظور پشتیبانی از نیروهای پیاده است.

در نامه خطاب به فرماندهان قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح سپاه در جبهه‌های جنوب آمده بود: «برادر حسن مقدم به عنوان فرمانده پشتیبانی‌کننده آتش‌های خمپاره‌ای سپاه معرفی می‌شوند؛ لازم است با او همکاری کنید».

تاسیس توپخانه سپاه؛ ۱۳۶۱

شهید حسن طهرانی‌مقدم این اتفاق را این‌گونه روایت می‌کند: «عملیات فتح‌المبین تمام شد. من در سپاه شوش وقتی گزارش را به آقا رشید می‌دادم، دیدم آقا رشید باخنده می‌گوید «مقدم برو توپخانه سپاه را سازماندهی کن. برو سراغ توپخانه». گفتم آقا رشید ما داریم خمپاره را سازماندهی می‌کنیم. در عملیات فتح‌المبین (اگر اشتباه نکنم) ۱۴۸ قبضه انواع توپ‌های روسی به غنیمت سپاه درآمد بود. آن موقع سپاه ۹ تیپ داشت. قرار شد برویم آن توپ‌ها را بیاوریم و سازماندهی کنیم. شهید بزرگوار حسن شفیع‌زاده اولین

نفری بود که رفتیم دنبالش. بعد از عملیات فتح‌المبین از تیپ‌المهدی شوش آوردمش پیش خودم و آقای محمد آقایی که از مسئولین توپخانه سپاه بودند، به انضمام شهید ناهیدی. این بچه‌های نخبه باهوش را جمع کردیم و توپخانه سپاه را تشکیل دادیم».



روایت برادر شهید از شکل‌گیری توپخانه سپاه پاسداران برخی دوستان زمانی که شنیدند یک جوان متعهد به عنوان فرمانده توپخانه انتخاب شده، خندیدند و برخی هم به تمسخر گرفتند و گفتند که نه توپی وجود دارد و نه توپخانه‌ای، اما برای توپخانه فرمانده گذاشته‌اند! اخوی ما همان موقع گفت توپ‌های ما آن طرف است و اشاره کرد به نیروهای صدامی. چند روز بعد عملیاتی شکل گرفت که با انجام موفقیت‌آمیز آن، موفق شدند یک گردان توپخانه ارتش رژیم صدام را به غنیمت بگیرند و با همین توپ‌های غنیمتی، توپخانه سپاه شکل گرفت. ایشان در همان زمان موفق شد سازمان توپخانه را پایه‌ریزی کند.

راه‌اندازی مرکز تحقیقات فنی توپخانه در اهواز؛ ۱۳۶۱
شهید طهرانی مقدم از راه‌اندازی این مرکز اینگونه یاد می‌کند: «در آن زمان توپ‌های غنیمتی ما ۱۵۶ قبضه بود که همه آنها در دشت عباس و چناله به غنیمت گرفته شده بودند. ما برادران ارتشی را برای آموزش این توپ‌ها دعوت کردیم که یک تیم از توپخانه ارتش برای ما اعزام شد و وقتی توپ‌ها را دیدند گفتند این توپ‌ها روسی هستند و آموزشی که ما دیده‌ایم توپ‌های آمریکایی بوده و کاربرد این توپ‌ها را نمی‌دانیم. ما می‌خواستیم از این توپ‌ها در عملیات بیت‌المقدس استفاده کنیم ولی هیچ آموزشی ندیده بودیم. توپ‌های زیادی با مهمات خوبی داشتیم ولی برای ما کارآمد نبودند. برادر بهمن چیره‌دست به دلیل تخصصی که داشتند، توپ‌ها را راه‌اندازی کردند و مرکز تعمیر و نگهداری توپخانه راه‌اندازی شد و توپ‌ها راهی عملیات شدند. دومین نفری که به یاری ما شتافت، شهید ناهیدی بود که آموزش‌های لازم را خیلی با حوصله برای استفاده از وسایل غنیمت گرفته شده مثل ترتیل‌های فلزی، دوربین‌های پاکدو و تجهیزات نشانه‌روی به ما دادند.»

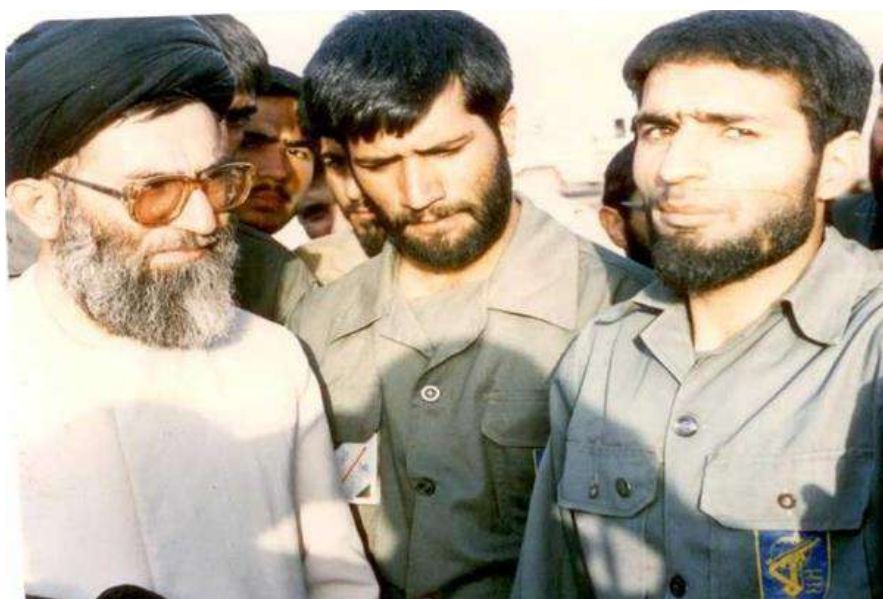


آغاز زندگی مشترک؛ ۱۳۶۱

پدر حاج حسن (محمود طهرانی‌مقدم) در سال ۱۳۶۱ از دنیا رفت و حسن با وجود مشغله فراوان در جنگ با اصرار خانواده، زندگی مشترک را آغاز کرد.

راه‌اندازی فرماندهی موشک سپاه؛ آبان ۱۳۶۲

روایت سردار زهدی: آبان سال ۱۳۶۲ به برادر حسن طهرانی‌مقدم که صاحب ایده‌های بزرگی در این زمینه بود، ماموریت راه‌اندازی و سازماندهی "فرماندهی موشکی زمین به زمین سپاه" محول شد.



شلیک توپ به سمت بصره؛ بهمن ۱۳۶۲

حضرت امام(ره) با مقابله به مثل حملات موشکی عراق موافقت کردند. جمهوری اسلامی ایران در آن زمان فاقد سامانه موشکی بود و مقابله به مثل، تنها در سطح توپخانه‌ای صورت می‌گرفت.

وقتی که بنا شد اولین موشک را خود برادران سپاه به سمت بغداد شلیک کنند، با هم به کرمانشاه رفتیم. مقدمات کار فراهم شد و باشگاه افسران بغداد را هدف گرفتیم. شهید مقدم پیشنهاد کرد اول دعای توسل بخوانیم و بعد از دعا به زبان فارسی با خدا صحبت کرد و گفت: «خدایا ما نمی‌خواهیم مردم عراق را بکشیم. ما می‌خواهیم نظامیان را از بین ببریم خدایا این موشک را به باشگاه افسران بزن.» موشک شلیک شد و همه پای رادیو نشستیم. پس از چند دقیقه رادیو bbc اعلام کرد "یک موشک، باشگاه افسران بغداد را منهدم کرده و تعداد زیادی از افراد حاضر در آن کشته شده‌اند." من پیشانی شهید مقدم را بوسیدم و گفتم این به هدف خوردن موشک نتیجه اخلاص و پاکی تو بود...

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
 راوی: سردار سرتیپ، یعقوب زهدی

مقدم
 طهرانی
 حسن
 شهید

زندگی پیش شهید

ناصر کاوه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بازگشت به آرزوی

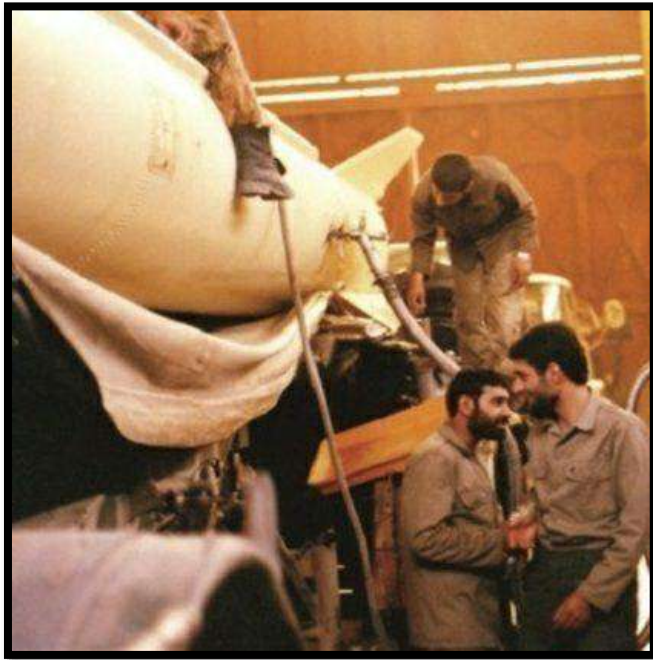
در جلسه‌ای که سردار مقدم به عنوان فرمانده توپخانه سپاه حضور داشت، قرار شد شهر بصره با توپ‌های ۱۳۰ میلیمتری که حداکثر برد آنها ۲۸ تا ۳۰ کیلومتر بود، مورد حمله توپخانه‌ای قرار گیرد.



شلیک اولین موشک به سمت عراق

۲۱ اسفندماه ۱۳۶۳ اولین موشک ایران به کرکوک شلیک شد. دومین موشک هم در بامداد ۲۳/۱۲/۱۳۶۴ به بانک ۱۸ طبقه رافدین بغداد اصابت کرد و موشک بعدی در باشگاه افسران ارتش عراق در بغداد فرود آمد و حدود ۲۰۰ نفر از فرماندهان عراقی را به هلاکت رساند... روایت سردار زهدی از این اتفاق به این شکل است: «وقتی که بنا شد اولین موشک را خود برادران سپاه به سمت بغداد شلیک کنند، با هم به کرمانشاه رفتیم. مقدمات کار فراهم شد و باشگاه افسران بغداد را هدف گرفتیم. مرحوم شهید مقدم پیشنهاد کرد اول دعای توسل بخوانیم و بعد از دعا به زبان فارسی با خدا صحبت کرد و گفت: «خدایا ما نمی‌خواهیم مردم عراق را بکشیم. ما می‌خواهیم

نظامیان را از بین ببریم که هم ما و هم عراقی‌ها را می‌کشند. خدایا این موشک را به باشگاه افسران بزن». موشک شلیک شد و همه پای رادیو نشستیم. پس از چند دقیقه رادیو بی‌بی‌سی اعلام کرد "یک موشک، باشگاه افسران بغداد را منهدم کرده و تعداد زیادی از افراد حاضر در آن کشته شده‌اند". من پیشانی شهید مقدم را بوسیدم و گفتم این به هدف خوردن موشک نتیجه اخلاص و پاکی تو بود».



انتصاب به عنوان فرمانده موشکی نیروی هوایی سپاه؛

شهریور ۱۳۶۴

پس از صدور فرمان تاریخ امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل نیروهای سه گانه سپاه پاسداران، شهید مقدم در سال ۱۳۶۴ به سمت فرماندهی موشکی نیروی هوایی سپاه منصوب شد.

روایت محسن رضایی از این ماجرا بدین ترتیب است: «جنگ شهرها که آغاز شد، صدام به شدت شهرهای ما را با موشک و بمباران هوایی مورد حمله قرار می‌داد و فشار خیلی زیادی روی ما می‌آمد. من یک روز برادر محسن رفیق‌دوست را که مسئول لجستیک سپاه بود خواستم و گفتم ما چاره‌ای نداریم جز اینکه جواب موشک‌ها را با موشک بدهیم، لذا ایشان را فرستادیم سوریه و لیبی و در آخر جنگ هم کره شمالی. بعد دیدم باید ساماندهی موشک‌ها را خودمان انجام دهیم. بعد از مشورت با برادران رشید، صفوی و شمخانی به این نتیجه رسیدم که فرد مناسب برای این کار حسن طهرانی است. ایشان را فراخواندیم و گفتیم توپخانه را بسپار به شفیع‌زاده و خودت با تیمی از دوستانت یگان موشکی را تشکیل دهید. ایشان کمی به من نگاه کرد و چیزی نگفت. بعدها برادر جعفری مسئول زرهی سپاه به من گفت در سوریه که بودیم حسن به من گفت: برادر محسن از من خواسته تیپ موشکی تشکیل بدهم. توپخانه را می‌شد کاری کرد، ولی موشک‌ها خیلی پیچیده‌اند. به هر حال باید با توکل این کار را انجام دهیم.»



تلاش برای استقلال در صنعت موشکی؛ ۱۳۶۵

از ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ تا ۱۰ دی ۱۳۶۵ بعد از عملیات والفجر ۸ و قبل از کربلای ۴، لیبیایی‌ها در همکاری موشکی کارشکنی کردند و ما توان جواب دادن نداشتیم. ما در ۲۰ مرداد ۱۳۶۵، پالایشگاه نفتی دوره عراق را زدیم. در این مقطع پنج موشک زدیم ولی به دلیل کارشکنی لیبیایی‌ها ۳۵ روز توان پاسخ نداشتیم. لیبیایی‌ها ۳۸ ایراد روی سکوی قطعات گذاشته بودند. بعضی از قطعات همزمان با مذاکراتی از کره شمالی وارد شد.



به روایت محسن رضایی: «قذافی فکر کرده بود با دادن تعدادی موشک می‌تواند دل ما را به دست بیاورد و امام بعد از گذشت چند سال از انقلاب به او اجازه ملاقات می‌دهد که به ایران بیاید، بنابراین چندین موشک به همراه لانچر پرتاب و تعدادی کارشناس را به ایران فرستاد. همین که ما مشغول کار با آنها شدیم، شنیدیم که پادگانی که برایشان در نظر گرفته‌ایم را ترک کرده‌اند و به همراه قطعاتی از

موشک‌ها به سفارت لیبی رفته‌اند، به طوری که نمی‌توان از موشک‌ها استفاده کرد. حسن و تیمش ظرف دو ماه این موشک‌ها را عملیاتی کردند و به محض اینکه عراق موشک زد، ما هتل الرشید را که محل تجمع دیپلمات‌ها بود زدیم».



راه‌اندازی یگان موشکی حزب‌الله در لبنان به روایت برادر؛ ۱۳۶۶-۱۳۶۵
محمد تهرانی مقدم برادر شهید از این رویداد چنین سخن می‌گوید:
«حاج حسن حتی به لبنان هم آمد و یگان موشکی حزب‌الله را در
آنجا ایجاد کرد. تقریباً در سال ۶۵-۶۶ بود. بچه‌های حزب‌الله لبنان
بسیار دوستدار حاج حسن‌آقا بودند. با کارهایی که ایشان انجام داد،
حزب‌الله موفق به تجهیز سلاح‌هایی شد که هرگاه صهیونیست‌ها

شرارتی می‌کردند، با پاسخ دندان‌شکن مواجه می‌شدند. الان هم قاطعانه بگویم، رژیم صهیونیستی اگر هرگونه عملیات یا تهدیدی را علیه جمهوری اسلامی داشته باشد، از ناحیه موشک‌های حزب‌الله لبنان مشت محکمی را دریافت خواهد کرد که قلب تل‌آویو را زیر و رو می‌کند. باید بگویم بهترین هدیه حاج حسن آقا به مردم و حزب الله لبنان، آموزش و انتقال تجربیات موشکی به این کشور بود، به طوری که در جنگ ۳۳ روزه و جنگ ۲۲ روزه غزه، پیروزی حزب الله و بچه‌های حماس علیه صهیونیست‌ها مدیون همین آینده‌نگری ایشان بود که رزمندگان حزب‌الله را آموزش دادند. از همین طریق بود که حزب‌الله توانست سیستم موشکی‌اش را ایجاد کند و نه تنها مانع پیشرفت رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان شد بلکه تمام نقشه‌های صهیونیست‌ها را نقش بر آب کرد».

دستیابی به "نازعات" اولین موشک ایرانی؛ ۱۳۶۶

به روایت سردار نامی: «همزمان با انجام عملیات‌های مقابله به مثل موشکی و با پیگیری‌هایی که خود سردار مقدم داشتند، در اواخر جنگ به یک سامانه موشکی و راکت ساخت داخل دست پیدا کردیم به نام راکت نازعات، که بردش بین ۸۰ تا ۱۲۰ کیلومتر است و با تلاش‌هایی که انجام داده بودند به ۱۵۰ کیلومتر رسیده بود».



از دلایل طراحی و ساخت این سامانه، کمک در کنار موشک اسکاد بود که بتواند با یک نواخت تیر بالا قدرت مقابله با جنگ شهرها را داشته باشد. موشک اسکاد، موشک گران قیمتی است و به لحاظ آماده‌سازی و کم و کیف پرتاب برای اهداف خاص استفاده می‌شود. ما بعضا اهدافی داشتیم با ابعاد گسترده که حتما نیاز به دقت یا قدرت انفجار زیاد داشت، منتها تنها سامانه‌ای که داشتیم همین اسکاد بود و لذا از همان مقطع، همزمان با فعالیت تحقیقاتی جهت ساخت موشک‌های اسکاد، ساخت سامانه‌های ارزان قیمت و دارای قدرت مانور بالاتر نیز آغاز شد، تا بتوانیم بعضی از اهدافی را که ارزش و اهمیت چندانی ندارد با آن سامانه مورد اصابت قرار بدهیم. همانجا تلاش و پیگیری برای ساخت و تولید موشک نازعات در اولین قدم طرح‌ریزی شد و در دستور کار قرار گرفت که ما در پایان جنگ، یعنی اواخر سال ۱۳۶۶ موفق شدیم به این سامانه دست پیدا بکنیم».

شرکت در عملیات مرصاد؛ مرداد ۱۳۶۷

به روایت سردار نامی:

«در بحبوحه عملیات مرصاد دیدیم سردار مقدم به عنوان یک خدمه پای یک خمپاره ۱۲۰ در حال شلیک به سمت دشمن و منافقین است. سردار مقدم یعنی کسی که به عنوان فرمانده موشکی در حال انجام وظیفه بود وقتی ضرورت را احساس می‌کند، می‌آید به عنوان یک خدمه ۱۲۰ به مقابله با دشمن».



راهی که می‌رفتم، کویری بود
با آسمانی آبی و زیبا
وقتی کمی راه آمدم، دیدم
یک گوشه، موشک‌های جنگی را
در خانه‌مان، هر روز، با کاغذ
می‌ساختم موشک، سریع و زود
سازنده‌ی این‌ها ولی آن روز
آقای تهرانی مقدم بود

هر موشکی یک نام زیبا داشت
آن یک «شهاب» و دیگری «سجیل»
این قهرمان پاک، دائم بود
در فکر نابودی اسرائیل با علم و با آن قلب بی باکش
دشمن ازین کشور گریزان بود
این مرد خوش قلب و پر از ایمان
بابای موشک‌های ایران بود
هر موشکی را یک به یک می‌دید
آهسته، با آرامش و دقت
وقتی به سمت من رسید او گفت:

بهبه به این فرزند با همّت!
آن وقت با من ساده و با شوق
از خاطراتش گفت و یارانش
از باکری، چمران، جهان آرا
از خاک ایران و شهیدانش
آن‌ها که از دشمن نترسیدند
وقتی که جنگی سخت برپا بود
پیروزی ایران و ایرانی
مدیون خون پاک آن‌ها بود
او گفت: باید کشور خود را
هم ایمن و هم پاک و زیبا کرد
فهمیدم از هر حرف او آنجا
هر کشوری باید قوی باشد

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
شاعر: نعیمه آقانوری

نقد
طهرانی
حسن
سنگدل

زندگی پیشگام شهید

ناصر کاوه

بایستادگان ادب

موفقیت در ساخت شهاب ۳؛ ۱۳۷۷

روایت سردار «عباس خانی آرانی» جانشین فرمانده توپخانه و موشکی نیروی زمینی سپاه، از این اتفاق بدین ترتیب بود: «درست است که وزارت دفاع به عنوان واحد پشتیبانی کننده نیروهای مسلح در بحث ساخت موشک «شهاب ۳» وارد می‌شود، اما عمده کارهای تحقیقاتی‌اش را شهید مقدم انجام داده بود. این شهید عزیز عقیده داشت نباید چیزی را دیگران بسازند و بعد آن را به ما بدهند. به عبارت دیگر می‌گفت اگر نیروهای مسلح ما درک کردند بنابر نوع تهدید به چه ابزاری برای مقابله نیاز دارند، باید برای تولید آن گام بردارند. زیرا متخصصان داخلی کشورمان از توانمندی و قدرت عمل بسیار بالایی برخوردار هستند».

ساماندهی صعود بزرگ به قله دماوند؛ ۱۳۸۱

روایت سردار «یدالله مکاری» مسئول هیات کوهنوردی سپاه از این صعود بدین شکل است: «کاری که سردار حسن مقدم انجام داد، کاری بس دشوار و بزرگ بود ولی از آنجا که قربه الی‌الله بود و همراه با توکل و نشأت گرفته از نام ائمه و یاری گرفتن از آنها بود، باموفقیت به انجام رسید. صعود به قله دماوند بدون شک برای اولین و آخرین بار بود که اجرا شد. در سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) از چهارده یال کوه دماوند با نام چهارده معصوم با شرکت ۵ هزار کوهنورد از سراسر رده‌های سپاه انجام شد که از این تعداد، ۴۱۳۷ نفر آنان موفق به صعود بر بام ایران یعنی قله دماوند شدند و حدیث کسا را آنجا قرائت کردند».

جانشین نیروی هوا فضای سپاه؛ ۱۳۸۴

شهید طهرانی مقدم در تاریخ ۱/۷/۱۳۸۴ به عنوان جانشین سردار علی زاهدی در نیروی هوا فضای سپاه پاسداران منصوب شد.

شهدای اقدار

کماند مردان بی ادعا...



۲۵ آذرماه ۱۳۸۵ بود که، حاج حسن مقدم به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه در امور موشکی و رئیس سازمان خودکفایی سپاه انتخاب شد. سردار حسن طهرانی مقدم تا روز آخر عمر نیز به عنوان مسئول این سازمان در ایجاد یک توان علمی و دانشی پایه و زیر بنایی مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود و در روز شهادتش (۲۱ آبان ۱۳۹۰) در پادگان امیرالمومنین (ع) شهرستان ملارد در حالی که برای آزمایش موشکی، با افرادش آماده می شد، بر اثر انفجار زاغه مهمات، به یاران شهیدش (احمد کاظمی، حسن شفیع زاده، حسن غازی، غلامرضا یزدانی، علیرضا ناهیدی، مصطفی تقی خواه و ...) پیوست.

کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه

مقدم
حسن طهرانی
شهید

شهید

زندگیتان شهدا

ناصر کاوه

بایستادگان آذربایجان

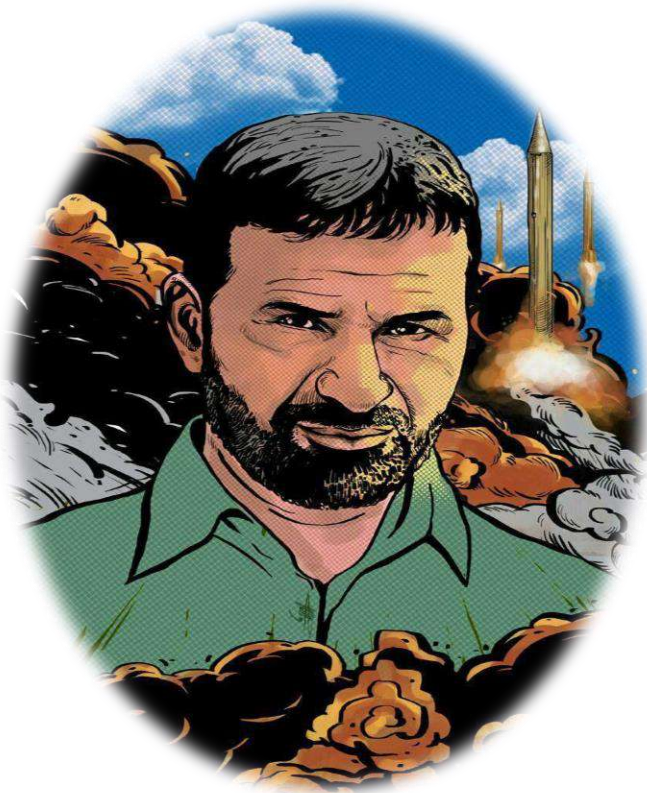
شهادت

سردار حسن طهرانی مقدم تا روز آخر عمر نیز به عنوان مسئول این سازمان در ایجاد یک توان علمی و دانشی پایه و زیر بنایی مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود و در روز شهادتش (۲۱ آبان ۱۳۹۰) در پادگان امیرالمومنین(ع) شهرستان ملارد در حالی که برای آزمایش موشکی، با افرادی آماده می شد، بر اثر انفجار زاغه مهمات، به یاران شهیدش (احمد کاظمی، حسن شفیعی زاده، حسن غازی، غلامرضا یزدانی، علیرضا ناهیدی، مصطفی تقی‌خواه و ...) پیوست.

خصوصیات شخصیتی و اخلاقی شهید

شهید طهرانی مقدم از منظر شخصیتی انسانی باتقوا، خوش اخلاق، با اخلاص، شوخ طبع، فروتن، مقاوم، فداکار و پرتلاش بود. این شهید گرانقدر از نظر ولایی دارای اعتقادی قوی و راسخ بود و نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت ع علاقه و محبت فراوانی داشت. بنا به گفته خانواده و نزدیکان این شهید، ایشان همواره در امور مختلف، متوکل و متوسل به خاندان طهارت ع می شد و از آنان مدد می جست. ایشان به نماز اول وقت توجه ویژه ای داشت و حتی در سخت ترین موقعیت ها نسبت به انجام آن اهتمام می ورزید. از ویژگی های شاخصی که در مورد شهید طهرانی مقدم می توان برشمرد، کمک به نیازمندان و رسیدگی به اقشار ضعیف جامعه از جمله ایتمام بود. در همین راستا، این شهید والامقام موسسه ای خیریه ای داشت که به صورت گمنام فعالیت می کرد. ارتباط صمیمی و دوستانه شهید طهرانی با افراد خانواده و دوستان و آشنایان به حدی نمایان بود که توجه همگان را به خود جلب می کرد. ایشان به همین ترتیب در برخورد با نیروهایی که تحت مدیریت ایشان مشغول به کار بودند، اهل غرور و تکبر نبود و پیوسته رفتاری صمیمانه، نزدیک و بی ریا با

همه داشت. شهید تهرانی در بعد مدیریتی نیز الگوی بسیار موفق و شناخته شده ای بود و شیوه های نوینی که ایشان در اعمال مدیریت و اداره امور به کار می بست، منجر به حصول موفقیت های چشمگیر در جهت تعلیم و تربیت افراد متخصص و توانمند و با سطح تعهد بالا شد. سردار شهید تهرانی مقدم مجاهدی خستگی ناپذیر بود و همواره با برخورداری از روحیه صبر و پایداری در برابر مشکلات و موانع، به اهداف بلندی که در سر داشت، دست می یافت. حاج حسن تهرانی مقدم دشمنی ویژه ای با رژیم اشغالگر اسرائیل داشت و معتقد بود باید کاری کرد که اسرائیل با شنیدن نام شیعه به لرزه بیفتد...



سربازان خمینی! و خامنه‌ای!

حسن طهرانی مقدم کابوس شب های یهودیان صهیونیست که وصیت کرد بر سنگ مزارم بنویسید اینجا مدفن کسی است که می خواست اسرائیل را نابود کند!... سرباز در گهواره خمینی بود که کرور کرور سجیل و رعد و عماد ساخت، تا تل آویو و حیفا را از حالا شخم خورده بدانند و التماس کنند که فقط بگویید تهدید نکنند!

روی دیوار های خرمشهر نوشته بودند، آمدم تا بمانیم، اما این حسن باقری، احمد متوسلیان، صیاد شیرازی، طهرانی مقدم سربازان و... که در گهواره خمینی بودند، کاری کردند کارستان که در زادگاه صدام عکس امام را بالا میبرند!

تمام شد آن دوران که آواکس هایتان بر سر غواص های خمینی فرود می آمد و آنها را، دست بسته زنده به گور می کرد، خردل میخوردند و تن به تانک می جنگیدند!... حالا باید برای کشتن سربازهای سید علی آخرین نسل عمود پرواز های لاکهید مارتین، تا یمن، نیجریه و سوریه پرواز کنند! گذشت زمان بزن در رو که سربازان خمینی در شلمچه و خرمشهر شهید می شدند! ...

سربازان خامنه ای در خانطومان و قنیطره و حلب می جنگند و به گفته خودتان، ۷ تریلیون دلار هزینه ایجاد داعش را پودر می کنند و شهید می شوند که نزدیکترین جاهاست به قبله اول! و چه نزدیک است فتح آخر! این سربازان در گهواره خمینی بودند که با دست خالی بر هم زدند تمام نظم نوین جهانی‌تان را با سربازان درون گهواره خامنه‌ای چه می‌کنید!؟

مقدم
طهرانی
حسن
سجیل

زندگ بر شهید
ناصر کاوه

کتابخانه حضرت

بایگ کتابخانه

"سخن آخر"

"از سربازان درون گهواره خمینی (ره) تا سرداران خامنه ای"
اگر آن روز که ساواک گرداگرد خمینی بت شکن را گرفته بود و زخم زبان میزد که سربازانت کجاستند؟! و روح خدا فرمود که، سربازان من در گهواره اند! اگر روح آیزنهاور و کارتر و ترامپ خبردار میشد که روزی سربازان در گهواره خمینی، طومار ۲۵۰۰ سال رژیم شاهنشاهی را در هم می‌پیچند و دیگر نه ژاندارمی دارند و نه کاپیتولاسیون و نه سفارتخانه و نه سفیری!... خمینی را که هیچ، هواپیماش را هم که هیچ، دودمانش را در آسمان میزدند، همان در هوا غبارش می‌کردند!... تا سالها بعد روح لینکلن و جرج واشنگتن در گور به خود نلرزد، که وقتی پترائوس چهار ستاره پیام یکی از همین سربازان خمینی را در روی نیز کارش خواند، که در آن نوشته شده بود:
"من، قاسم سلیمانی هستم، ومن هستم که سیاست‌های ایران را در عراق، لبنان، غزه، افغانستان، یمن و... تدوین می‌کنم!"
خدا خمینی را نگاه داشت، همان که محمد(ص) را با تار عنکبوتی در غار نگاه داشته بود!...

قرن هاست که تاریخ انتظار این سربازان را می‌کشد!...

چه شد فتح سه روزه صدام با آمریکا؟...

مگر چند ساعته کویت را نگرفت بود آنهم بدون آمریکا؟...

کجا رفت از افسانه نیل تا فرات رایس و صیهونیزم جهانی؟...

چه شد برخورد تمدن های هانتینگتون، کسینجر، پایان دنیا

فوکویاما؟... از نیل تا فرات که هیچ از هرات و پنج شیر و صنعا تا

لاذقیه و سامرا، آب نمی خوردند مگر با اجازه "قاسم سلیمانی" آن

سرباز در گهواره خمینی!...

تازه این اول حلول هلال شیعه و مسلمانان است که تا ماه شب

چهارده شدنش با ظهور امام زمان (عج) راه طولانی و گردنه های

خطرناک بسیار... "شهید حسن طهرانی مقدم" کابوس شب های یهود

که وصیت کرد بر سنگ مزارم بنویسید:

"اینجا مدفن کسی است که می خواست اسرائیل را نابود کند..."

این روزها، نه ریاض، نه تل-آویو، نه حیفا، نه واشنگتن دی سی و

نه... هیچ کدامشان شب را، از ترس فرزندان پرورش یافته از دستان

تو، به راحتی صبح نمی کنند... ۳۰ سال کار جهادی کرد و کم خوابید

و بیشتر کار کرد تا ما بشینیم به نابودی دشمنان مان چند کیلومتر

آنطرف تر نگاه کنیم سرانجام "طبل تو خالی بعد از جنگ ۳۳روزه..."

اروزه... امروز رسیده به ۳روزه... آن هم جلوی حماس... که اندازه
یک شهر در جمهوری اسلامی ایران است. امریکا اسرائیل استکبار...
رو به زوال و نابودی هستند... این وعده الهی است... فقط باید در این
راه استقامت کرد و مانند شهید تهرانی مقدم، گوش به فرامین
رهبری "امام خامنه ای" داشته باشیم. موشکهای حماس (که در
مقابل موشکهای حزب الله و ایران، مثل کاردستی می ماند) گنبد
آهنین اسرائیلی ها را پاره پوره و سوراخ کرده وای به موشکهای
حزب الله و ایران... روح شاد نور بارد به قبرت، پدر علم موشکی؛
شهید تهرانی مقدم... او یکی از هزاران سرباز در گهواره خمینی بود
که کرور کرور شهاب، سجیل، رعد، و عماد و... ساخت، تا تل آویو و
حیفا را از حالا شخم خورده بدانند و التماس کنند که فقط بگویند
تهدید نکنند!

روی دیوار های خرمشهر نوشته بودند، آمدمیم تا بمانیم، اما این
حسن باقری، احمد متوسلیان، صیاد شیرازی و... سربازان در گهواره
خمینی بودند، که کاری کردند کارستان... در زادگاه صدام عکس امام
را بالا میبرند! و همزمان صدام را به دست خودشان (نیروهای
آمریکایی) اعدام می کنند... و مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ...

تمام شد آن دوران که آواکس هایتان بر سر غواص های خمینی فرود می آمد و آنها را، دست بسته زنده به گور می کرد... خردل می خوردند و تن جلوی تانک می گذاشتند، همانند "شهید حسین فهمیده" زیر شنی تانک صاف می شدند و اما مردانه می جنگیدند!... حالا باید برای کشتن سربازهای سید علی خامنه ای آخرین نسل عمود پرواز های لاکهید مارتین، تایمن، نیجریه و سوریه پرواز کنند! گذشت زمان بزن در رو که سربازان و ملت خمینی در شلمچه و خرمشهر و خلیج فارس قطعه قطعه می کردید!...

حالا سربازان خامنه ای در خانطومان و قنیطره و حلب و سواحل مدیترانه و باب المندب و... با شما می جنگند و به گفته خودتان، بیش از ۷ تریلیون دلار هزینه ایجاد داعش را پودر می کنند و نزدیکی بیت المقدس شهید می شوند که نزدیکترین جاهاست به قبله اول مسلمین!... و چه نزدیک است فتح آخر زمان با حجت ابن الحسن (عج)!... این سربازان در گهواره خمینی بودند که با دست خالی بر هم زدند تمام نظم نوین جهانی تان را! با سرداران و سربازان قد کشیده و برومند "خامنه ای" چه می کنید؟... و چه زیبا فرمودند خداوند عزوجل در سوره نصر که "إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ

النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) که هنگامی که فتح و ظفر

آید، خواهی دید که فوج فوج مردم به دین خدا در خواهند آمد...

پهپاد جاسوسی‌اش را ساقط کردیم، برای اولین بار از جنگ جهانی به

نیروی نظامی‌اش حمله رسمی کردیم بدون اینکه بتواند پاسخ دهد

و حالا تحریم‌های قلدرمانه‌اش را در حیات خلوتش شکستیم.

جایی که چین و روسیه هم جرات حضور نداشتند. نه ایران دیگر آن

کشور سابق می‌شود نه آمریکا ای کاش رئیس جمهور ما بجای ۷

سال دویدن‌های بی نتیجه سمت آمریکا و اروپا، به سراغ آمریکای

لاتین، شرق آسیا و کشورهای همسایه میرفت نتیجه بهتری از

معطل کردن ایران به ننگ نامه برجام می گرفت افسوس از آن هفت

سالی که ملت را مشغول کاغذ پاره‌ها و وعده‌های دروغین اروپا و

آمریکا کردند!...

تغییر هندسه قدرت جهانی در زیر سایه موشک‌ها سانحه تلخ و

دردناک کشتی سانچی یادتان هست که مجبور بودیم برای دور زدن

تحریم‌ها از پرچم پاناما استفاده کنیم؟... بعد از اعمال قدرت سپاه

در خلیج فارس و ادب کردن دزدان دریایی ملکه انگلیس و توقیف

نفتکش انگلیسی و انهدام پهپاد فوق پیشرفته گلوبال هاوک و

شخم زدن پایگاه تروریست های آمریکایی عین الاسد، هندسه قدرت در جهان تغییر کرده است حالا بدون هیچگونه اسکورت نظامی و تنها بایک پرچم مقدس جمهوری اسلامی، می توانیم تحریم ها را لگدمال، آمریکا را ضایع و بنزین به ونزوئلا صادر کرد و طلا به کشورمان وارد کنیم این است مدیریت جهادی می تواند ماهواره را تا ارتفاع ۳۶ هزار کیلومتری و بنزین را تا حیاط خلوت آمریکا ببرد...

ولی مدیریت تکنوکراتی و لیبرال نمی تواند سیب زمینی و پیاز را روی زمین، از سیستان تا تهران بیاورد بدون اینکه قیمتش ۱۰ برابر نشود! ونهایت کارشان شده تحویل ارابه مرگی به نام پراید با ۱۳۰ میلیون تومان قیمت برای مستضعفان جامعه... مردم در انتخابات سال بعد هوشیار باشید و آدم مومن و انقلابی و متعهد به پیمودن راه امام و شهدا و ولی فقیه زمان خود را انتخابات کنید و گول شارلاتان بازی و شعارهای پوچ و بی پایه و اساس و در یک کلام گول دروغگویان و منافقان را نخورند...

انتقادات و پیشنهادات خود را با این شماره با ما مطرح فرمائید...

۰۸۴۲-۰۱۴۴-۰۹۱۲ ارادتمند: ناصر کاوه

من غرور آخرین پروانه ام
 باز من دیوانه ام دیوانه ام
 ای عبور لحظه ها دیگر شوید
 ای تمام نخل ها بی سر شوید
 ای غروب خاک را آموخته
 چفیه ها ای چفیه های سوخته
 ای زمین ای رملها ای ماسه ها
 ای تگرگ تق تق قناسه ها
 جمعی از ما بارها سرداده ایم
 عده ای از ما برادر داده ایم
 من که نامم نام این مردم شدست
 گردبادی در گلویم گم شدست
 من هبوط آرزو را دیده ام
 من تمام مرگ را رقصیده ام
 آنکه اینجا چشم در چشم شماست
 روزگاری خویشتن رامی نواخت
 من غرور آخرین پروانه ام
 بار من دیوانه ام دیوانه ام
 در کویر مرگ شرحی مانده ام
 ای جماعت من بسیجی مانده ام
 آمدم وقاف ها در قید ماند
 قلب ما در پاسگاه زید ماند
 عقده های جنگ بی حدمانده است
 در گلویم بغض احمد مانده است
 زخمی ام اما نمک حق من است
 درد دارم نی لبک حق من است
 از خدا یک روح آویزان کجاست
 شور شبهای قلاویزان کجاست
 الفتح و گردان مولی اینچنین
 ابر و باران و شقایق در زمین
 یادی از مردان مرد این دیار
 لاله لاله لاله های بی شمار
 ای بسیجی هازمان رباب برد
 تیشه ها را آخرین فرهاد برد
 کتاب ذوالفقار ولایت، ناصر کاوه
 شاعر: رضا فرزانه



شکر و سپاس
 از
 حضرت امام رضا (ع)



ایچک
 شکر و سپاس
 از
 حضرت امام رضا (ع)

زندگی پیر شهید

ناصر کاوه

"منابع و ماخذ"

کتاب سرداران آتش

روزنامه کیهان

روزنامه مشرق

سایت تبیان

فارس نیوز

جام جم آنلاین

نوید شاهد

بسیج پرس

سایت پایداری

فصل نامه صبح قریب/سال اول، شماره دوم / زمستان ۱۳۹۰

۱- خبرگزاری فراز نیوز - چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۹۰

۲ - (۲ الی ۴) (۹ الی ۱۱) (۵۷ الی ۶۰) (۶۲ الی ۶۴) (۶۸ الی ۷۴) (۷۶ الی ۷۸)

(۷۸) فصل نامه صبح قریب/سال اول، شماره دوم / زمستان ۱۳۹۰

۳ - خبرنگار نوید شاهد/ مراسم اربعین شهدای غدیر (۱۰ و ۱۱) روزنامه

کیهان/ چهارشنبه ۳۰-۹-۹۰

۴۲ - دانشگاه تهران / گزارش خبرنگار حوزه دفاعی ایرنا / ۱۳۹۰/۰۹/۲۹

۴۳- گزارش بسیج پرس به نقل از مهر

۵۸- گزارش مشرق به نقل از کیهان/ روزنامه زود دویچه سایتونگ

۵۹- اربعین شهدای غدیر/ گزارش عصر امروز / به نقل از ایرنا

(۶۱ و ۷۲) - یادداشت محسن رضایی/ خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱۰/۳۰

۶۶ - سایت پایداری

۶۷ - روزنامه کیهان/ سردار محسن انصاری / ۲۶ آبان-۱۳۹۰

۷۵- مراسم اربعین شهدای غدیر/ گزارش عصر امروز به نقل از ایرنا



سخن طاهر مقدم

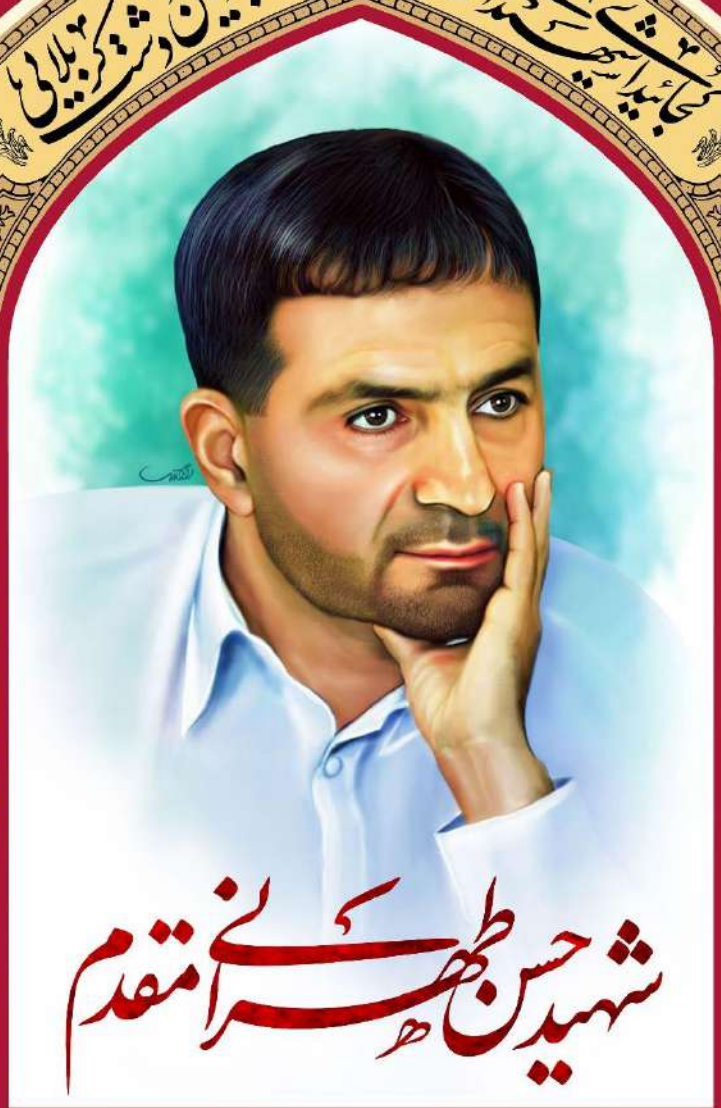
دائم الوضو بود. موقع اذان خیلی ها می رفتند وضو بگیرند، ولی حسن اذان و اقامه اش را می گفت و نمازش را شروع می کرد. می گفت: «حیف زمین خدا نیست که آدم بدون وضو روی آن راه برود؟»

برگرفته از کتاب «یادگاران»



کجا پیرا پیرا کس خدایے

بیا جوانی دوش کربیلی



شهیدین طہ کے مقدم

بڑا دلدارن اچھا ہے

کجا پیرا پیرا کس خدایے

کجا پیرا پیرا کس خدایے

پرن ہرگز ہوا کتا

کجا پیرا پیرا کس خدایے

پہا چوہا چوہا



تاریخ شهادت: ۱۳۹۰/۸/۲۱

رئیس سازمان خودکفایی سپاه

آن جان برکفان نستوه (شهادای جهاد خودکفایی) با سینه‌ی گشاده و عزم راسخ همواره به پیشباز خطر شناخته و در دوران دفاع مقدس و پس از آن، هرگز احساس خستگی به خود راه ندادند. شهادت، بی‌شک برترین آرزوی آنان بود.

عبدالله

مهندس طهرانی مقدم

۱۳۹۰/۸/۲۵



پارسای بی ادعا

۲۱ آبان / سالروز گرامیداشت شهیددقتدل حسن طهرانی مقدم

حادثه‌ی خونین در یکی از مراکز پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به شهادت جمعی از عناصر ممتاز آن سازمان و در پیشاپیش آنان سردار عالی قدر، دانشمند برجسته و پارسای بی ادعا، سردار حسن مقدم انجامید، واقعیتی تلخ و اندوهبار بود.

سپهر
۱۳۹۰/۰۸/۲۵

هر وقت پروژه یا کاری را تمام می کرد ، به همکارهایش می گفت: « باید از در پشتی بریم بیرون. حتی نباید صبر کنیم تشویق مون کنن؛ چون به چیزی که می خواستیم رسیدیم. هدف مون شاد کردن دل حضرت آقا بود که انجام دادیم. ما بازوی حضرت آقا هستیم ، هر چقدر خودمون رو قوی کنیم ، یعنی ایشون رو قوی کردیم.»

به نقل از کتاب «یادگاران»



سید
حسین
منقدم





شهریاران مقدم

میزار ما روی است
 که ما مانده ایم و شهدا رفته اند اما محبت آن است که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده اند
 سید محمد آذری



وقتی می شنید کشوری کار پیچیده ای انجام داده، خدا را شکر می کرد و می گفت: « پس ما بهتر از اونا میتونیم همین کار رو انجام بدیم » خیلی قرص و محکم می گفت: « به دو دلیل این کار برای ما راحت تره. یکی اینکه خیالمون راحت که این کار شدنیه. دوم اینکه ما شیعه ایم و نصرت الهی هم مارو یاری می کنه. نصرت الهی یعنی اینکه اگه یه غیر مسلمون بیست بار باید دستگاهی رو تست کنه تا ایرادش رو پیدا کنه ، برای ما که بچه شیعه ایم ، دومین بار اون ایراد معلوم میشه»

برگرفته از کتاب «یادگاران»

شهید حسن طهرانی مقدم





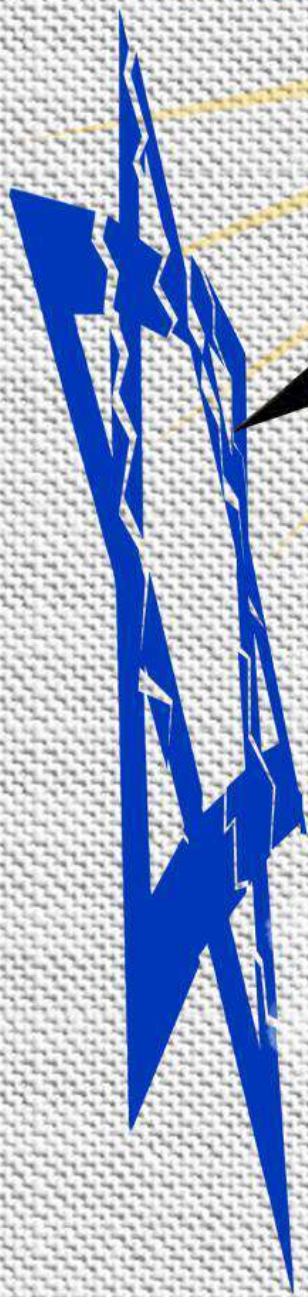
شهید حسن طهرانی مقدم

وقتی حرف از شهدا می شد، می گفت:
« ما با شهدا زنده ایم تا با شهدا هم محشور بشیم.
اگه ما نسبت به اون ها غریبه باشیم، اون طرف هم حتما غریبه ایم.
با این ها باش تا با این ها محشور بشی.»

برگرفته از کتاب «یادگاران»



@defapres_ir
defapress
support/defapress_ir
@defapres_ir



شهید طهرانی مقدم :

روی قبرم بنویسید اینجا مدفن
کسی است که می خواست
اسرائیل را نابود کند

شهید حسن طهرانی مقدم

دانشمند برجسته و پارسای بی ادعا، اسوه انسانی، ولایتمدار صادق، سردار عالی قدر و گمنام بسیجی، یکی از نخبه های نظامی جهان، بنیانگذار توپخانه سپاه، پدر صنایع موشکی، پرچم دار صنعت هوا فضای کشور، الگوی موفق مدیریت، **ذوالفقار ولایت**، شهاب آسمانی، آذرخش جنگ، سجیل ابر قدرت ها، خورشید پنهان آسمان ایران. او کسی بود که ما خواست رژیم صهیونیستی را نابود کند.



www.noavaransina.ir

